

## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت پنجاه و سومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

صفحه ۳

## برگزاری همایش پرشور پنجاه و سومین سالگشت رستاخیز سیاهکل

صفحه ۱۵

از حماسه سیاهکل تا انقلاب ژینا، پیکار با  
دو دیکتاتوری برای آزادی

زینت میرهاشمی

صفحه ۵

### غزه، فراتر از فاجعه

مهرداد قادری

صفحه ۷

ویژگیهای جنبش انقلابی سیاهکل و نگاهی  
مختصر به پیچیدگیهای کنونی

امیر معیری

صفحه ۸



### متن پیامهای ارسال شده به همایش

صفحه ۱۲

### دالغا (موج)

مرضیه احمدی اسکویی

صفحه ۱۳

### برنامه ویژه رادیو پیشگام

به مناسبت پنجاه و سومین سالگشت حماسه سیاهکل

صفحه ۱۶

### دوچرخه ام را بر می دارم

فتح الله کیانیها

صفحه ۱۴

### ترانه ای برای سیاهکل

امید امیدوار

صفحه ۶

### تاثیر حماسه سیاهکل

بر شعر و ترانه و موسیقی در دهه پنجاه

بابک

صفحه ۱۰

### فرخنده باد سالروز رستاخیز سیاهکل!

م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۴

### زمین را سراسر سیه کل کنیم

مرجان

صفحه ۱۱

### جنگل عصیان

فتح الله کیانیها

صفحه ۱۳

## برگزاری همایش پُرشور پنجاه و سومین سالگشت رستاخیز سیاهکل

حماسه شکل گرفت، محور مبارزه و تلاشهای ماست؛ از آزادی و عدالت سخن می گویم و از خوشبختی و شادی برای همه.

گزارش کامل در صفحه ۱۵

عصر روز شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲ برابر با ۳ فوریه ۲۰۲۴، همایش پنجاه و سومین سالگرد حماسه سیاهکل در شهر کلن (آلمان) با شرکت ایرانیان آزادیخواه برگزار و همزمان به صورت زنده در شبکه جهانی زوم و رادیو راه ابریشم پخش شد. در شروع برنامه رفیق کامران نژاد ضمن خوش آمدگویی به حاضران در همایش گفت: «پنجاه و سه سال از آغاز حرکت رهایی بخش سیاهکل می گذرد و هنوز اصلی ترین آرمانهایی که با رنگ و نشان شان این



## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و سومین سالگرد حماسه و رستاخیز سياهکل

سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)



خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایگی علیه جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهایی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سياهکل..» موضع

خمینی آن چنان شاه پسند و فضاحت بار بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سياهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

### هموطنان، زنان و مردان آزادیخواه

نزدیک به هفده ماه از یک روز تاریخی دیگر می گذرد، دیگر روزی که باز هم زنگ خون به صدا درآمد و توفان شکوفه داد. روز آدینه ۲۵ شهریور سال پیش، قتل حکومتی جاوید نام ژینا مهسا امینی پوشش خبری پیدا کرد. دو روز پیشتر تصویر ژینا روی تخت بیمارستان و درحالی که به گما رفته بود در شبکه های اجتماعی منتشر شد و به دنبال اعلام جانباختن او، موجی از خشم و نفرت جامعه را فراگرفت. شامگاه آن روز جرقه قیام در برابر بیمارستان کسری زده شد و حمله نیروهای سرکوبگر رژیم به مردم خشمگین، آتش قیام را شعله ور کرد.



شرح رویدادهای انقلاب ژینا در ماههای پس از شهریور را سال پیش گزارش کردیم.

کارگزاران حکومت پس از سرکوبهای دمنشانانه ادعا کردند که خیزش انقلابی را «جمع» کرده اند. اما واقعیت این است که باوجود دست زدن به کشتار مردم بی دفاع و بازداشتهای چندین ده هزار نفره که به مهار نسبی حرکتهای خیابانی منجر شد، جنبش انقلابی همچنان ادامه دارد و سرسختانه از دستاوردهای خود دفاع می کند. صف آراییی جامعه در برابر حاکمیت پس از شهریور سال پیش دچار تحولی کیفی گردیده که در بالاترین مدار آن جنبش زنان علیه حجاب اجباری قرار دارد. مبارزه زنان، بوروکراسی دولتی و دستگاههای سرکوب رژیم را به زانو درآورده و درمانده کرده است و نشان می دهد نه فقط شرایط و بحران انقلابی فروکش نکرده بلکه در وضعیت انفجاری جامعه به شکل بی سابقه تشدید شده است. مردم تسلیم نشده و روزانه با حرکتهای اعتراضی خود رژیم را به چالش می کشند. ابعاد حرکتهای اقشار گوناگون مردم آن چنان گسترده شده که کارگزاران امنیتی و انتظامی رژیم بدان اعتراف می کنند. به موازات پایداری جنبش انقلابی شهریور، صف بندی و رودررویی باندهای شریک در قدرت و ثروت، مستقل از تصمیم و اراده سران، به طور ناگزیر روز به روز تشدید می شود و آن چه در این جدال به خوبی عیان است، ضعف و درماندگی خامنه ای برای مهار این کشاکشهای فرساینده است.

بقیه در صفحه ۴

پنجاه و سه سال از آن شامگاهی که «زنگ خون به صدا درآمد و توفان شکوفه داد» می گذرد. در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ خورشیدی یک گروه کوچک انقلابی به پاسگاه ژاندارمری شهرک سياهکل (در استان گیلان) حمله کرد و با این عمل جسورانه و بن بست شکنانه خود سپهر سیاسی ایران زمین را دگرگون کرده و برگ زرینی به تاریخ جنبش کمونیستی ایران افزود. با رستاخیز سياهکل، جنبش نوین کمونیستی ایران از خاکستر خود سربرآورد و نام سازمان پرافتخار چریکهای فدایی خلق ایران بر تارک این جنبش به ثبت رسید.

پیکارگران گروه جنگل با عمل انقلابی خود بر دیوار ستبر اختناق ضربه ای تاریخ ساز وارد کردند، «قدرت مطلق» دیکتاتوری شاه را به چالش کشیده و راه غلبه بر «ضعف مطلق» توده ها را به آنان نشان دادند. حماسه سياهکل از این جهت یک لحظه تاریخی است که شاکله دیکتاتوری شاه را به لرزه درآورد و آغاز پایان عمر نظام سلطنتی را نوید داد. دیری نپایید که برجسته ترین، انقلابی ترین و صادق ترین زنان و مردان ایران زمین که در اندیشه رهایی بودند و قلب شان برای آزادی و سوسیالیسم می طپید، در سراسر فلات آفتاب و باد به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و جنبش مسلحانه انقلابی پیوستند.

رستاخیز سياهکل گرچه یک عمل نظامی کوچک به حساب می آید، اما آن چنان گنج کلان سیاسی بود که هنوز هم پیرامون رمز و راز آن می نویسند و می گویند و اکنون که ما در دوران انقلابی کنونی سپهر سیاسی ایران را رصد می کنیم، درمی یابیم که رفقای گروه جنگل نه شماری انقلابی بی تکرار، که آنان با «افتابکاران جنگل» در قیامهای سالهای اخیر و به ویژه در «انقلاب ژینا» تکثیر شدند. «قیام برای رهایی» که بر پرچم سرخ رزمندگان سياهکل نگاشته شده بود، در شورشها و قیامهای سالهای اخیر در هر کوی و برزن دیده و شنیده می شود و این رشد کم نظیر آگاهی و روحیه انقلابی زنان و مردان و فداکاریهای اقشار مختلف جای بسی افتخار و خرسندی برای ما دارد.

بیهوده نیست که نظریه پردازان فرومایه استبداد دینی بیش از قلم بمزدان دیکتاتوری سلطنتی به حماسه سياهکل می تازند. گزافه گویان دست پرورده خمینی از درون مایه فکری و آموزه های عملی جنبش پیشتاز فدایی که در دوران حکومت ننگین جمهوری اسلامی بارها خود را در خیزشها و رویشها و قیامهای توده ای نشان داد، می ترسند.

رژیم شاه در واکنش به حماسه سياهکل، به سرکوبی گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سماعی طی عملیات پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، محمد هادی فاضلی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، اسکندر رحیمی مسچی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نبیری در بیدادگاههای نظامی فرمایشی به اعدام محکوم و در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه اعدام سپرده شدند.

واکنش شاه و خمینی به جنبشی که با حماسه سياهکل آغاز شد، نشان دهنده اهمیت و نقش این رویداد در سپهر سیاسی ایران زمین است. این واقعیت را می توان از سخنان محمد رضا شاه و روح الله خمینی که ما همه ساله آن را برای یادآوری منتشر می کنیم، به خوبی دریافت.

اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص

## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بقیه از صفحه ۲

شعبده ای به نام انتخابات

ولایت خامنه ای در نقش پدرخوانده و بانک دستجات بنیادگرا، جمهوری اسلامی را به قلب و مغز بنیادگرایی اسلامی تبدیل کرده است. صدور ترور و ارتجاع، جنگ افزوری و آشوبگری در خارج از مرزهای کشور از طریق نیروهای موسوم به «محور مقاومت» و البته یکدست سازی و در تکامل جبری آن «خالص سازی» و در پیشاپیش همه آنها سرکوب بی محابا در داخل کشور، راهبرد ولی فقیه برای مهار جنبش انقلابی و جلوگیری از برآمد توده ای است. در چنین شرایط خامنه ای در تدارک شعبده موسوم به انتخابات است.

ولی فقیه در چندین سخنرانی به وظیفه شرکت در انتخابات پرداخت و مخالفان این نمایش را به شدت تهدید کرد. دستور ولی فقیه در شرایطی است که اکثریت «اصلاح طلبان حکومتی»، جریان «اعتدال» و حتی افرادی که «غرق در ولایت» بودند و برای رقابت ثبت نام کرده بودند، از جانب شورای نگهبان رد صلاحیت شدند.

مضحکه خامنه ای و شورای نگهبانش آنچنان بالا گرفته که رئیس شورای وحدت اصولگرایان در استان تهران می گوید: «یکی از کاندیداهای ما چند دوره مسئول دفتر شورای نگهبان بوده؛ چطور می شود صلاحیت او برای هیات نظارت احراز نشده باشد؟» کارگزاران نظام پنهان نمی کنند که شرکت در این شعبده به سود ولی فقیه است. عباس کعبی، نایب رئیس «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» می گوید: «شرکت در انتخابات سبب تقویت رهبری [بخوانید استبداد مذهبی] می شود.» بسیاری رسانه های حکومتی نیز در باره عدم استقبال جامعه از این نمایش مضحک خیر، گزارش و تحلیل منتشر کرده اند. از همین رو ولی فقیه

از آن چه گرد پروژه اش می گذرد به شدت نگران است و «دلواپسان» و «غرق شدگان» در ولایت را دوره انداخته تا تنور این شعبده را با صحنه سازی و هیزم کثی تبلیغاتی گرم کنند.

بر همگان روشن است که انتخابات سالم، دمکراتیک و رقابتی در نظام ولایت فقیه وجود نداشته و ندارد. از این رو سازمان چریکهای فدایی خلق ایران دوازدهمین دوره شعبده بازی موسوم به «انتخابات» ارتجاع را تحریم کرده و هر گونه تبلیغ و هر شکلی از شرکت در این نمایش رسوا را علیه منافع مردم ایران می داند.

### زنان و مردان ایران زمین

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و در آغاز پنجاه و چهارمین سال حیات خود، یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که طی پنجاه و سه سال پیش در پیکارهای بی امان در پای چوبه های دار و در رزمهای خیابانی، در راه هدفهای سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد.

ما یاد و نام تمامی دلاورانی که در راه تحقق خواستهای ترقیخواهانه مردم ایران جانفشانی کردند، به ویژه زنان، مردان، نوجوانان و کودکانی که در

جریان انقلاب ژینا به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

ما به پایداری خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم و خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با زندانیان سیاسی هستیم.

ما از مبارزه زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح، پیشرفت، عدالت و جدایی دولت از دین مبارزه می کنند، از مبارزه زنان ایران برای لغو تبعیض جنسیتی و مقاومت بی نظیر آنان علیه حجاب اجباری و از مبارزه ملیتهای ساکن ایران برای رفع تبعیض ملی و از مبارزه اقلیتهای مذهبی برای برچیدن تبعیض مذهبی حمایت و پشتیبانی می کنیم.

ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و همه مزدگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. «نان، کار و آزادی» خواست عمومی مردم ایران به ویژه تهیدستان و فرودستان است. مزد عادلانه و زندگی شایسته، حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می کنیم.

ما از اعتراضات صنفی و سیاسی دانشجویان کشور علیه پولی سازی آموزش، حذف امتیازات اندک آموزشی و پادگان کردن دانشگاه حمایت می کنیم و خواهان برآورده شدن تمامی خواسته های آنها هستیم.

ما از جنبش دادخواهی خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی و عقیدتی حمایت می کنیم و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران مبارزه می کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران استفاده از تمامی اشکال مبارزه به شمول مبارزه و قیام مسلحانه را حق مسلم مردم می داند و از این رو کارگران، مزدگیران، کارمندان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان، روشنفکران و نیروهای ترقیخواه ایران را به اتحاد و مبارزه به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری لائیک، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

برای تحقق این خواست ما از شورای ملی مقاومت ایران پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دمکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبحخانه برای درهم شکستن اتحاد ما در شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم

استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده

باد آزادی»

«زنده باد انقلاب دمکراتیک مردم ایران»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲ - ۳ فوریه ۲۰۲۴

## فرخنده باد

## سالروز رستاخیز سپاهکل!

م. وحیدی (م. صبح)

«من اگر برخیزم

تو اگر برخیزی

همه برمی خیزند.

من اگر بنشینم

تو اگر بنشینی

چه کسی برخیزد؟

چه کسی با دشمن بستیزد؟

کوه باید شد و ماند

رود باید شد و رفت

دشت باید شد و خواند...»

(حمید مصدق)

جنبش تاریخساز سپاهکل شعله ای سرکش و خاموشی ناپذیر است که روح و جسم زمانه را صیقل می زند. سپاهکل مترداف با مبارزه ای رادیکال و انقلابی، در دورانی اتفاق افتاد که جامعه درحال پوسته شکنی و تحول بود و چنین حرکتی را در بستر خود اقتضا می کرد؛ حماسه ای که همچنان بر تارک تاریخ ایران می درخشد.

جنبشی دورانساز که ضمن همدرد کردن خود با بخشهای عظیمی از جامعه و تاریخ، هر فرد و جریان را موظف نمود که مستقیم یا غیر مستقیم در برابر آن موضع بگیرد و مسوولیت خویش را یادآوری کند. حرکتی اصیل، با تفکری عمیق و هدفمند و عملکردی دقیق، منطقی و اصولی، تصویری نو از چگونه زیستن و چگونه ماندن را ترسیم نمود، به اجتماع و تاریخ هویت بخشید و جهانی عینی و نو عرضه کرد.

آفتابکاران جنگل، با برهم زدن توازن موجود، الگویی زنده و پراتیک از مبارزه رهاییبخش را ارائه دادند؛ از واقعیات موجود فراتر رفتند و دنیایی زیبا و پرشکوه در پیش چشمها گشودند. دلاوران جنگل، با ذهنیتی کمال یافته و اثربخش و با بلوغ تاریخی خویش، بذر شجاعت و ماندگاری را در دشتهای میهن افشاندند و با سفر به قلبها، همسفر زمانه شدند و پلی ساختند تا پیروزی.

اینک امتداد خط مبارزاتی آنان، پس از سالیان، در پیوند با «کانونهای شورشی» در داخل میهن اسیر و در اعتراضات مردمی، به حرکت خود ادامه می دهد و تا تحقق آزادی و عدالت، ادامه خواهد یافت.

سلام بر سپاهکل

سلام بر کانونهای شورشی

زنده باد انقلاب دمکراتیک مردم ایران

بهمن ۱۴۰۲



## از حماسه سیاهکل تا انقلاب ژینا، پیکار با دو دیکتاتوری برای آزادی

زینت میرهاشمی



از زندانی سیاسی گلرخ ابرایی بگویم که به درستی بعد از اعدام چهار زندانی سیاسی گفت: «برای سرنگون کردن بنیان استبداد به خیابانها بازگردید»

از درد و رنج زندانی سیاسی جنبش اعتراضی دی ماه ۱۳۹۶ مهدی موسویان بگویم که قرار است چشمهای بینای او توسط مزدوران خامنه ای تخلیه شود. از شکنجه و درد دهها هموطن بگویم که حکم اعدام گرفته اند و خانواده و فرزندان آنها در اضطراب آخرین دیدار فرزندانشان یا همسران و پدرانشان، رژیم زندگی معمولی را از آنها سلب کرده است.

از کودکان بدون شناسنامه بلوچ بگویم که سهمشان از شهروندی در کشور ثروتمند ایران، فقر و کولبری، و در بزرگسالی شکنجه و زندان و اعدام است. از شهادت ۱۴ کودک بلوچ در جمعه سیاه زاهدان بگویم که با گلوله های ماموران و پاسداران، شناسنامه دار در دفتر زرین جنبش ضد دیکتاتوری شدند.

به راستی سپهر جنبش انقلابی پُر ستاره است و «هر شب ستاره ای به زمین می‌کشند و باز/ این آسمان پُر ستاره غرق ستاره هاست.»

همه قیام آفرینان و مبارزینی که زمین را زیر پای خامنه ای لرزاندند آرزویی داشتند و شورشگرانی که همچنان کابوس خامنه ای هستند و آرامشش را بر هم می‌زنند رویایی در سر دارند. بدون شک تا تحقق آرزوها و رویاهای انسانی و عادلانه آنان، مبارزه ادامه خواهد داشت.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، مانند میلیونها ایرانی در بند استبداد دینی، برای تحقق آزادی، دموکراسی، برابری، عدالت اجتماعی رفع هر گونه تبعیض جنسیتی، ملی، دینی و ... مبارزه می‌کند. ما خود را متعهد به تحقق خواسته های انسانی و آزادی طلبانه مردم ایران می‌دانیم و معتقدیم که تحقق خواسته های عادلانه و حقوق شهروندی مردم با رژیم ولایت فقیه و همه ی دارو دسته آن شدنی نیست. هیچ نقطه اتصالی بین مردم و رژیم نیست. با نگاهی به مجموعه شعارهای جنبشهای اعتراضی در خیابان درک می‌کنیم که خروجی مطالبات مردم سرنگونی است. به این معنا که خود این رژیم مشکل است و راه حل نمی‌تواند باشد.

جرقه انقلاب با پیشتازی زنان روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ در پی قتل حکومتی زنده یاد ژینا (مهسا) امینی با شعار «زن، زندگی، آزادی» آغاز و به سرعت تمامی تار و پود جامعه را با شعار «مرگ بر دیکتاتوری مرگ بر خامنه ای» درنوردید و رژیم و همه دسته بندیهای آن از پس لرزه های آن آرام و قرار ندارند.

جنبش انقلابی ۱۴۰۱ جلوه دیگری از بحران و شرایط انقلابی را در برابر همگان چه در داخل ایران و چه در خارج از مرزها نشان داد. انقلابی که خیزش دی ۱۳۹۶ را پشت سر گذاشته بود، با گذر از قیام قدرتمند هفته آخر آبان ۱۳۹۸ جامعه را وارد چنان کشاکشی کرد که نوید انفجار بزرگی را در پی داشت.

سرنگونی رژیم تبدیل به خواسته ای همگانی و در روانشناسی و عمل مردمی دست یافتنی شد. اثر این جنبش چنان است که دادخواهی مادران تبدیل به کابوس رژیم شده و مزار شهیدان به میعادگاه عاشقان آزادی تبدیل شده است. رژیم از مزار و بدنهای بی جان شهیدان در زیر انبانی از خاک هم ترس دارد تا جایی که مزدوران خامنه ای بز دلانه سنگ مزار آن اختران شب سوز را می‌شکنند.

بقیه در صفحه ۶

درد به همگی شما که در بزرگداشت این روز تاریخی در جنبش ضد دیکتاتوری شاه، همراه ما هستید.

یاد چریکهای فدایی خلق به فرماندهی رفیق علی اکبر صفایی فراهانی که حماسه ماندگار سیاهکل را آفریند، همیشه جاودان. در باره عظمت و دستاوردهای رستاخیز سیاهکل، تولد جنبش نوین کمونیستی مستقل از قطبهای جهان، نقش آنها در سرنگونی رژیم پهلوی و روبرو شدن با دریایی از طرفداران در هنگامه انقلاب ضد سلطنتی ... در بیانیه سازمان به مناسبت ۱۹ بهمن آورده شده است که بخشهایی از آن توسط رفیقمان کامران قرانت شد. برای رعایت وقتی که تعیین شده از آن می‌گذرم.

وظیفه خود می‌دانم به خانواده های دادخواه شهیدان و زندانی سیاسی درود بفرستم و ادای احترام کنم. یاد و خاطره شهیدان سرفرازی که در دو رژیم دیکتاتوری شاه و شیخ زیر شکنجه، پای چوبه دار یا در هموردی با مزدوران سرکوبگر در خیابان جان شان را از دست دادند گرامی می‌دارم.

به زندانیان سیاسی درود می‌فرستم. مبارزه و مقاومت آنها در زیر شکنجه در سیاهچاله به بخش مهمی از مبارزه ضد دیکتاتوری تبدیل شده است. زنان زندانی سیاسی با مقاومتشان در زندان تفکر و عمل ارتجاعی زن ستیز رژیم را به چالش گرفته و سر خم نیاورده اند. شجاعت آنان از زینب جلالیان، سپیده قلیان، گلرخ ابرایی، مریم اکبری منفرد، نرگس محمدی و بیشمار دیگر زنان سرفراز، ستودنی و امید بخش است که به دلیل تنگی وقت نمی‌شود اسامی همه این زنان مبارز را بر شمرم.

ما با کپکشانگی از ستاره های انقلاب روبرو هستیم که در خیزشها و قیامها علیه رژیم ولایت فقیه، برای آرمانهایی انسانی و عدالت طلبانه جانشان را از دست دادند. همه آنها رویاهایی در سر داشتند و برای تحقق رویاهای شان ترس و بردگی را به چالش گرفتند. با دستانی خالی اما با اراده و مصمم برای تغییر شرایط به جنگ رژیم رفتند.

رزم و ایستادگی آنها شجاعت را تکثیر کرد. این ستارگان انقلاب سرمایه های ارزشمندی از خود به جای گذاشته اند که به تداوم جنبش انقلابی یاری می‌رساند. به قول دایه شریفه، مادر رامین حسین پناهی، که به درستی گفت: «با تفنگ و طنابتان راه رسیدن به آزادی را خواهید توانست گرفت، رامین من را اعدام کردید هزاران رامین متولد شدند.» بله از کردستان تا بلوچستان، از خوزستان تا خراسان، از آذربایجان، گیلان، مازندان و لرستان تا تهران و اصفهان و شیراز و کرمان، هزاران رامین سر بلند کردند. از مادر محمد قبادلو بگویم که بعد از سر به دار شدن پسرش شجاعانه گفت: «نمی‌تونم به جات بخندم، بلد نیستم به جات برقصم، ولی؛ قول شرف میدم به جات بکنم.»

از رویای کیان پیرفلک، خالق خدای رنگین کمان کودکان، خاندان لجه ای که به چوب بسته شد، از نوید افکاری که گفت این جنایتکاران دنبال گردنی برای چوبه دار می‌گردند، از مهدی کرمی که گفت به مادرم حکم اعدام را نگو، از مجیدرضا رهنورد که گفت در خاکسپاری من شادی کنید، از یلدا آقافضلی که گفت آنقدر منو زند و ولی اظهار پشیمونی نکردم، از آرزوی انسانی آرمینا گراوند بگویم که نوشته بود: «حتی تاریک ترین شب نیز پایان خواهد یافت و خورشید خواهد درخشید» و از حدیث و سارینای شانزده ساله تا کیانا پانزده ساله و از گلناز صمصامی، ۳۴ ساله، باردار و مادر یک کودک هشت ماهه که در اینستاگرامش نوشته بود: «یه روز خوب هیچوقت خودش نمیداد، یعنی پا نداره که بیاد، ما باید بیاریمش.» از مادر ملیکا مهدوی دختر ۱۷ ساله شهید راه آزادی بگویم که نوشته است: «الگوی من ملیکاست که بعد از آزادی از زندان باز هم به فعالیتش ادامه داد و گفت میدونم برام دردرس میشه ولی سکوت نکرد.»

از جاوید نامان شجاع ۴ نفر از زندانیان سیاسی از هموطنان کردمان که در هفته گذشته اعدام شدند بگویم. از پژمان فاتحی که گفت: «این مرگ برای من یک افتخار است برایم سسپاه نپوشید و گریه نکنید.» مادر پژمان فریاد زد «پژمان را به آزادی بخشیدم» مادر وفا آذربار بگویم که شجاعانه فریاد زد که «هیچ گاه برایشان سر خم نمی‌کنیم.»

محمد فرامرزی گفت: «چیزی وجود نداره که بشه ازش ترسید» محسن مظلوم گفت: «از جونا و همه ی همسنگرانم می‌خوام که محکم و با اراده باشند، هر اتفاقی افتاد گریه و زاری نکنند و به ما افتخار کنند.» تکثیر شجاعت یعنی همین. سر بلند و سرفراز برای آزادی برای جانیشان با رژیم چانه نزدند.

## از حماسه سیاهکل تا انقلاب ژینا، پیکار با دو دیکتاتوری برای آزادی

بقیه از صفحه ۵

اما انقلابی که می رفت تا تاروپود دیکتاتوری را از هم ببرد، تنها موجب ناراحتی رژیم نشد بلکه جریانهای عقب افتاده و از دور خارج شده را هم رنجاند. از جمله جریان راست سلطنت طلب. آنها حتا به شعار زن زندگی آزادی که راهی از بردگی و شکستن تمام قوانین زن ستیز را هدف قرار داده بود رحم نکردند و سعی کردند آن را به ابتدال و پوچی بکشانند. آنها مذبحخانه سعی کردند از آب گل آلود ماهی بگیرند و تمدی برای تاج سلطنت مدفون شده بدوزند.

دوستان گرامی، واقعیت این است که رضا پهلوی و دار و دسته های وابسته به او از جمله ساواکیها نقشی مخرب، تفرقه افکنانه و به شدت لمپنی در جریان جنبش انقلابی داشتند.

تلاش آنان تزریق سرخوردگی به جنبش بود. اما تداوم انقلاب در اشکال مختلف و افشاگریهای نیروهای انقلابی، درب تجارتخانه «وکالت» آنان در «اتوبوس مجانی» را گل گرفت.

### چرا سرنگونی رژیم پاسخی ضروری است؟

از ویژگیهای اقتصاد ایران، متمرکز بودن اقتصاد و سیاست، قدرت و ثروت در دست عده قلیلی که حاکم هستند است. اسم آن را اقتصاد مقاومتی گذاشته اند. کانون سیاست اقتصادی نه سفره و سلامت و دانش مردم بلکه امنیت نظام و همه چیز به سود نظام آخوندی است؛ اقتصادی در خدمت تولید بحران و پیشبرد سیاست ماجراجویی و تروریسم در منطقه به سود امنیت نظام ولایت فقیه؛ اقتصادی امنیتی، شبه دولتی، خصولتی، فامیلی که تولیدات آن رانت خواری، فساد، سلطانه، اختلاسگران و... است. اعلام آمار، افشای چپاولگری، نقد کردن و اعتراض کردن و... همه چیز در باره محصولات این اقتصاد، امنیتی محسوب می شود و مجازات دارد.

دستآورد این اقتصاد، تورم بالای ۶۵ درصد است، از جمعیت ۸۶ میلیونی حدود ۶۴ میلیون نفر در سن کار هستند که صرفا ۳۷ درصد به کار اشتغال دارند. حقوق پایه نیروی کار به ۶ میلیون نمی رسد اما خط فقر بالای ۲۰ میلیون تومان است.

کولبران و سوختبران توسط مزدوران رژیم به قتل می رسند اما مافیای قاچاق، اختلاسگران و ابرزدها زیر چتر حمایت حکومت مجازاتی از قبلی اعدام و یا قطع انگشتان دست ندارند.

در واکنش به بحران معیشت، فلاکت اقتصادی و تورم و بیکاری موجود، حرکتی اعتراضی در سراسر ایران جریان دارد. جنبش اعتراضی نیروهای کار، رنگ سیاسی گرفته و در ستیز با منافع حکومت قرار دارد. حکومت در برابر حق طلبی، فعالان کارگری و شرکت کنندگان در اعتصاب را با حکم شلاق و حبس سرکوب می کند. ابعاد و کیفیت حرکتی اعتراضی نیروهای کار و یازنشستگان متدوام و سیر صعودی دارد. در سیاستهای رژیم هیچ چشم اندازی برای بهبود اقتصادی و تحقق خواسته های معترضان وجود ندارد.

## ترانه ای برای سیاهکل

### امید امیدوار

"می خوام نخوام"

سیاهکل، دیگه این زندگی جهمی رو نمی خوام همیشه ابرهای غمگین رو سر ما می مونه

دیگه این صبهای بی روح و رمق رو نمی خوام همیشه خروسهای بی محل ما می خونه

دیگه این خورشید پنهون پشت ابر رو نمی خوام همیشه گرمای شیرین از تن ما می سونه

دیگه این شبهای مهتابی تنهایی رو من دوست ندارم همیشه عشق فراری می شه تک تاز می رونه

دیگه این جنگل بی شاخ و درخت رو نمی خوام همیشه بوزینه و شغال پیر و اسه شیر گُرگُر می خونه

دیگه این برف زمستونی رو من دوست ندارم همیشه خونه هر فقیری رو می رومبونه

دیگه این چشمه خشک رو نمی خوام همیشه آشک چشم، براش شُرشر می خونه

دیگه این دریای آلوده رو من دوست ندارم همیشه کوسه زشت، ماهی سرخ و قشنگ رو می خوره

دیگه این بهار زرد بی گل من نمی خوام همیشه مرغان عاشق چو کلاغها می خونه

دیگه این دشت وسیع لاله رو دوست ندارم همیشه کرگسی در اون خُنب می خوره

دیگه این آسمون دوست ندارم همیشه ستاره بخت منو می تارونه

دیگه این آب زلال جنگل من نمی خوام همیشه گلوم از آن خشک می مونه

سیاهکل، این همه بهانه بود؛ نخوام، نخوام تا اینکه فقط بگم تو رو می خوام، تو رو می خوام.

### در حوزه سرکوب و نقض حقوق بشر

متأسفانه ما در قرن بیست و یکم از کشوری حرف می زنیم که زنان به خاطر حجاب اختیاری و نداشتن حجاب حکومتی و سپردن موهای شان به باد، ۷۴ ضربه شلاق می خورند. شرم آور تر این که حکم قرون وسطایی شلاق را مرد مزدوری با داشتن قران در زیر بغل اجرا می کند. دزدان و چپاولگران برای خودشان بهشت درست کرده و زندگی را برای مردم به جهنم تبدیل کرده اند. مرتجعان بیشترمانه خود را خدای روی زمین و با شلاق و تحقیر به نام دین، زنان شجاع میهنمان را سرکوب می کنند. حتما می دانید که فقط در ۳ کشور حکم شلاق برای زنان به خاطر چند تار موی شان اجرا می شود: در افغانستان توسط طالبان، در مناطق تحت سیطره داعش و در ایران! مقاومت زنان در برابر حجاب اجباری حکومت، دقیقا اعتراضی سیاسی و بنیان شکن است.

اما آنچه در سپهر سیاسی جامعه ایران موج می زند این واقعیت است که تضاد اصلی مردم ایران با رژیم حاکم در تمامیت آن است. تمامیت منظور تمام نهادها و باندهای آن است. این تضاد آشتی ناپذیر است. جنبش انقلابی در بطن جامعه جریان دارد و خود را در حرکتی اعتراضی در همه زمینه ها نشان می دهد و نیروهای آگاه جامعه هزینه زیادی در پیکار برای آزادی و برابری و عدالت می پردازند. شرایط سیاسی گونه ای است که حکومت قادر نیست به شکل گذشته حکمرانی کند و مردم نیز نمی خواهند به شکل گذشته زندگی کنند. سیاست یکدست سازی حکومت شکست خورده و به شکاف بیشتر درون هرم قدرت هر لحظه بیشتر می شود.

ما به مثابه کمونیستهایی وفادار به آرمانها و ارزشهای مبارزاتی که رفقای فدایی بر جای گذاشتند، و همان طور که بارها گفته ایم خود را متعهد به مبارزه تا رسیدن به آزادی و سوسیالیسم می دانیم. در شرایط کنونی خواست اولیه و مقدم مردم ایران و پیکارگران شیفته آزادی، سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک نوین ایران است. این خواست، کانون ستیز (تضاد عمده) و گرانگاه تحول جامعه ایران برای رهایی را تعریف می کند.

منطقی است که در جایی که عدالت نباشد و خشونت دولتی برای سرکوب اعتراض اعمال شود، برای حکومتگران هم آرامش نباید باشد و این حق طبیعی ستمدیدگان است که آرامش ظالمان را بر هم بزنند و بارگاه حاکمیت شان را روی سرشان خراب کنند.

سازمانی که من افتخار عضویت در آن را دارم، برای ویران کردن بارگاه حکومت استبداد مذهبی، «ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.»

برای تحقق این خواست ما از شورای ملی مقاومت ایران پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دمکراتیک مداخله می کنیم ما ادامه رستاخیز سیاهکل هستیم و خرسندیم که مردم مان پرچم شورش و عصیان علیه استبداد، تبعیض و ستم را همواره برافراشته نگه داشته اند. افتخار می کنیم که زنان ایران زمین پیشتاز رهایی هستند. خروش جوانان شورشی، مقاومت زندانیان سیاسی و رزم بی امانی که هر روز در کف خیابان جریان دارد، اندوه از دست دادن کودکان و نوجوانانمان در جنبش انقلابی را تسکین می دهد. سپس از شما که به من گوش کردید و سپس از رفقا که این فرصت را به من دادند. پایدار باشید

## غزه، فراتر از فاجعه

مهرداد قادری



بافت های اقتصادی و طبقاتی مورد نیاز برای برپایی دموکراتیک و لائیک نه در اسرائیل و در فلسطین موجود نیستند. در مورد آینده غزه و فلسطین هر چشم اندازی

جایز است. در شرایط کنونی نقش آمریکا و اروپا بسیار تعیین کننده است. اگر تغییری در سیاست پشتیبانی از اسرائیل داده نشود، هرگونه تلاش برای آینده غزه و ایجاد دولت فلسطین بیهوده می‌باشد. تمام گروهها و سازمانهای چپ اعم از اسرائیلی و غیره همه خواهان آتش بس و پایان جنگ هستند اما هیچکدام قدرت مداخله در شرایط کنونی را ندارند. حتی در درون اسرائیل حزبی که حزب خود اسحاق رابین بود امروز جدا از اختلافات داخلی با نتانیاهو، همراه و همدست اوست. حزب کارگر اسرائیل به طور منفعل به شرایط کنونی برخورد می‌کند، و در سیاستهای دست راستی با نتانیاهو رقابت میکند، تا آنجا که رئیس جمهور اسرائیل که از حزب کارگر است به طور مکرر عقاید و ایده‌های نژادپرستانه خود را در مورد شرایط موجود اعلام می‌کند. همان داستانی که در اروپا هم در سالهای گذشته دیده‌ایم، سبقت از راست و به دام سیاست‌های پوپولیستی افتادن.

این در عمق جامعه اسرائیل به صورت نامیدی به آینده خود را نشان می‌دهد، تا آنجا که بخش عظیمی از مردم اسرائیل خواهان پایان جنگ و عقب نشینی از سرزمین‌های اشغالی است تا به این صورت صلح دراز مدت و پایدار را جانشین شرایط کنونی کند. آنها معتقدند که نتانیاهو حمله به غزه را به بزرگترین شکست استراتژیک تاریخ اسرائیل تبدیل کرده. در این مدت نه تنها حماس و نیروهایش را ریشه کن نکرده بلکه حماس را در افکار عمومی جهان به یک نیروی انقلابی تبدیل کرده.

موضع ما در این مورد این است که فقط به دلیل حمایت از مبارزات خلق فلسطین نمی‌توان از یک نیروی بنیادگرا و مرتجع حمایت کرد. ما مدافع حقوق مردم فلسطین هستیم، ولی با حماس همان فاصله را داریم که با هر نیروی بنیادگرای دیگر داریم. اعم از اسلامی، مسیحی یا یهودی یا هر مکتب و مذهب دیگر. تاکید می‌کنم که پایگاه مردمی نیروهایی چون حماس دلیل بر جلب حمایت ما نمی‌شود. اگر اینطور بود به طور مثال ما در انقلاب بهمن ۵۷ به قانون اساسی خمینی رای می‌دادیم که ندادیم آیا پایگاه مردمی خمینی کمتر از حماس بود؟

در سطح بین‌المللی شاهد حمایت‌های گسترده مردم جهان به پشتیبانی از مردم فلسطین هستیم، اما وظیفه ما؛ «ورای حمایت‌های لفظی» ما و هر نیروی دمکرات ایرانی در وحله اول، برای دفاع از حقوق مردم فلسطین می‌بایست علیه سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه عمل کنیم. جمهوری اسلامی برای بقای خود از هیچ ترفندی علیه مردم ایران و منطقه دریغ نمی‌کند و کماکان مغز و قلب بنیادگرایی اسلامی در جهان است.

افشا و مبارزه علیه سیاست‌های بحران ساز و تلاش و مبارزه به هر شکل ممکن برای سرنگونی این کانون مرگ، موثرترین حمایتها از مبارزات خلقهای منطقه برای آزادی و دمکراسی می‌باشد.

در پایان یک لیست از ارقام فاجعه غزه که کماکان در حال افزایش است را می‌آورم.

منبع: سوئیس انفو، ۲۳ ژانویه ۲۰۲۴

۱/ کشته ۲۵۴۹۰ نفر.

۲/ ناپدید شده و زیر آوار ۱۲ هزار نفر.

۳/ زخمی و معلول ۶۰۰ هزار نفر.

۴/ اوارگان هشتاد و پنج درصد جمعیت غزه.

۵/ کودکان کشته شده ۱۰ هزار نفر.

۶/ تعداد کشته شدگان در کرانه باختری ۳۵۹ نفر است. از این میان ۳۴۸ نفر بدست سربازان اسرائیلی و ۹ نفر بدست شهرک نشینان بوده است.

از مجموع کشته شدگان این جنگ فقط ۲۰ تا ۳۰ درصد از نیروهای حماس هستند.

با سلام، دوستان و رفقا خوش آمدید

سخن گفتن در مورد آنچه که در گذشته و حال بر خلق فلسطین تحمیل شده با پیچیدگی‌های تاریخی آن در حوصله وقت ما نیست، تنها می‌توان تیتروار به آن پرداخت تا به حدی که چهارچوب بحث و مواضع ما کمی روشن‌تر شود. بحث‌ها و مواضع گوناگونی در مورد فاجعه غزه موجود است عده‌ای نقطه شروع بحران کنونی را ۷ اکتبر می‌دانند و این‌ها در بهترین وجه متشکل از سازمان‌ها، کشورها و منابع خبری و مطبوعاتی نزدیک به سیاست‌های آمریکا و اسرائیل می‌باشند.

طرف مقابل این تحلیل، افراد و تشکلات و کشورهایی هستند که تشکیل دولت اسرائیل و ورود صهیونیست‌ها به خاک فلسطین را نقطه آغاز تراژدی خلق فلسطین و بحران غزه می‌دانند.

به نظر ما فقط یک تفکیک اصولی که با تاریخ خلق فلسطین در صد سال گذشته رابطه منطقی داشته باشد موجود است و آن قبل و بعد از مذاکرات اسلو می‌باشد.

در واقع این مرز زمانی را رهبران اسرائیل و فلسطین با امضای قرارداد اسلو ترسیم کردند. به این صورت که از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ (اسلوی ۲) چشم اندازی از آینده نزدیک به مردم فلسطین و اسرائیل ارائه داده شد.

آغاز مذاکرات باعث اوج‌گیری اختلافات در O.L.P و اسرائیل شد. فاروق خدومی که از بنیانگذاران O.L.P بود، از محمود عباس و عرفات جدا شد و به همراه حماس جنبش جهاد اسلامی و جبهه آزادی بخش برای آزادی فلسطین، امضای قرارداد اسلو را خیانت به آرمان‌های مردم فلسطین خواند.

از طرفی در اسرائیل احزاب و سازمان‌های دست راستی و حزب اصلی آن (Likud لیگود) و شخص نتانیاهو با تبلیغات وسیعی اسحاق رابین را به خیانت به آرمان‌های صهیونیسم و مردم اسرائیل متهم می‌کردند.

با ترور رابین به دست یک شهرک نشین دست راستی و با تبلیغات سنگین نتانیاهو و حزیش، مذاکرات و قراردادهای اسلو ۱ و ۲ که پروسه صلح را کلید زده بود به خاک نشست.

در این سال‌ها حماس همیشه مورد حمایت و از سیاست‌های دست راستی کشورهای عربی، ایران و دولت‌های اسرائیل بهره‌مند بوده، در غیر این صورت نمی‌توانست به محور خدمات اجتماعی غزه تبدیل شود. سیاست‌های دولت نتانیاهو همیشه جاده صاف کن رشد حماس بوده و این در ۱۳ سال نخست وزیری و چندین سال نفوذ وی در دولت‌های ائتلافی رؤیت پیدا می‌کند. با هدف اصلی تضعیف هرچه بیشتر دولت خودگردان فلسطین.

در اینجا بجاست که از نقش خانمان سوز رژیم جمهوری اسلامی که به صورتی دامان همه خلق‌های منطقه و خلق فلسطین را گرفته و در بحران کنونی نیز بسیار آشکار است یاد کنیم.

با نگاهی اجمالی می‌توان سیاست‌های اسرائیل، جمهوری اسلامی و حماس را در مثلی دید که هرکدام به طریقی دست در دست هم دارند.

یکی از تحلیل‌های رایج در مورد ۷ اکتبر این است که: هجوم حماس به درون اسرائیل به ادامه دولت نتانیاهو کمک کرده.

امروز شاید اینطور بنظر برسد که به دنبال سیاست‌های شهرک سازی در کرانه باختری و چتر دفاعی ارتش اسرائیل از حرکات غیر قانونی شهرک نشینان و حملات آنها به مردم فلسطین و ساکنان روستاهای فلسطینی چیزی از قراردادهای اسلو باقی نمانده و این از حقیقت دور نیست. تا حدی که امروز بخشی از فلسطینی‌ها و پشتیبانان مبارزات آزادی بخش خلق فلسطین، به دلیل نسل کشی و جنایات اسرائیل در غزه و کرانه باختری که موجب ضعف هرچه بیشتر دولت خودگردان در کرانه باختری شده و آن را به «واتیکان» رام الله تبدیل کرده، معتقدند که مقوله‌ای به نام دو دولت و دو ملت دیگر منطقی نیست.

به نظر ما این بی‌توجهی به واقعیت‌های تاریخی است. ما بعد از توافق‌های اسلو اعلام کردیم که این بهترین گزینه و اگر نه تنها راه حل عملی است و از آن پشتیبانی کردیم.

احتمالاً همه ما که اینجا حضور داریم خواهان یک دولت واحد دموکراتیک و لائیک که حافظ حقوق تمام شهروندان جدا از دین و نژاد و رنگ و جنسیت آنها می‌باشیم.

اما آیا این به سادگی به دست می‌آید؟ در این مرحله کلیه نهادهایی که این را میسر می‌کنند وجود خارجی ندارد. نهادهای دموکراتیک، سنسیدیکاه‌ها، احزاب و

## ویژگی‌های جنبش انقلابی سیاهکل و نگاهی مختصر به پیچیدگی‌های کنونی

امیر معیری

۳ - قیام سیاهکل و ادامه جنبش پس از آن، قاطعانه مدافع منافع زحمتکشان و مزدبگیران فرودست بود و کوشش‌های خود را در زمینه کمک به سازماندهی آنان توسعه می‌داد. در زمینه ملی هیچ منطقه‌ای در ایران را نمی‌توان نام برد که انقلابیون پیش‌تازش سهمی در مبارزه مشترک، رفیقانه و پیگیر در آن دوران نداشته باشد. در دفاع از مبارزات آزادیبخش جهانی مانند ویتنام، فلسطین، ظفار،... حمایت و همکاریها در سطح تماسهای مخفی رفقا و یا علنی توسط فعالین پشت جبهه در خارج کشور انجام می‌گرفت. در مورد برابری زنان و مردان، این جنبش چه در تئوری و چه در عمل پیشروترین بود. کم نبودند زنان فرهیخته‌ای که دوش به دوش مردان در کارهای فرهنگی و مبارزات میدانی زندانی شدند و حتا جان خود را فدا کردند. اینها همه نتیجه آگاهی روزافزون به مشکل حاکم بر سرنوشت خلق یعنی عملکرد استبداد سرمایه داری سلطنتی بود.

۴ - همراه با تشدید سرکوب توسط جنایتکاران ساواک و پلیس رژیم شاه و حذف فیزیکی پیش‌تازان، حمایت اجتماعی از جنبش نوین انقلابی و گرایش به آن نیز توسعه می‌یافت. این حمایت هرچند غیرمستقیم، حتا از جانب اقدار میانه رو تبدیل به عرف اجتماعی شده بود. کاملاً برخلاف آنچه که پس از سرکوب قیام ۵۷ و تسلط استبداد سرمایه داری ج.ا. مرسوم شد و تا امروز نیز ادامه دارد، در آن سالها کسی در ایران به خاطر گرایش و جلب توجه «علیحضرت» به اصلاح-طلبی، حمله به اسلحه و «خشونت گرای» فدائیان خلق و مجاهدین خلق را مقدمه ادبیات خیرخواهانه خویش نمی‌کرد. به عنوان نمونه شاخص این پدیده می‌توان از شعر زیبا و گویای «تفنگ من» سیاوش کسرای نامبرد که با وجود رویکرد او به حزب توده، در طلیعه قیام سال ۱۳۵۷ سروده شد: چه دیر به دست آمدی ای واژه آتشنا ... اینک تو بگو هر آنچه باید گفت/ اینک تو بکن هر آنچه باید کرد!

۵ - تنوع فکری در بطن عمل مشترک بدون گرایش و رویکرد به تشنت و فرقه گرایی، والاترین خصلت

اخلاقی و رفیقانه پیش‌تازان جنبش در آن دوران بشمار می‌آید. این منش حتا در خارج کشور نیز تأثیر خود را گذاشت و تحلیل و درکهای گوناگون از جنبش چریکی هیچگونه تأثیر منفی بر امر اتحاد عمل و همکاریهای رفیقانه و مشترک نیروهای فعال طرفدار جنبش سیاهکل نداشت؛ امری که متأسفانه امروز برخلاف منش پیشین بوده و ترمیم دوباره آن به آرزویی پیچیده و غیرقابل دسترسی تبدیل شده است.

۶ - رویکرد به همکاری و همسویی در عمل مشترک با نیروهای انقلابی غیرکمونئیست همواره برای رفقای بنیانگذار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. شرایط و اجزای این رویکرد را می‌توان در اسناد شفاهی و نوشتاری به جامانده از تبادل نظر و نقد در باره «سازمان مجاهدین خلق ایران» باز یافت. محور اصلی این بینش را رفیق حمید اشرف به خوبی در مکالمات به جامانده فورموله کرده است.

اکنون در این دوران پراکندگی اپوزیسیون ایران و شرایط پیچیده حاکم بر جهان و به خصوص خاورمیانه، ضروری است که با توجه به دستاوردها، آموزشها، تجربیات و ویژگیهای جنبش انقلابی نوآور سیاهکل و سایر انقلابیون جهان با تحلیل موشکافانه و مستمر، گامهای اساسی و ضروری را برای سرنوینی حاکمیت استبداد سرمایه داری جمهوری اسلامی تعریف کرد و با اتخاذ ابزار و روشهای غلظی، در حد امکان هر «شورش» را بتوان تبدیل به «قدمهای سنجیده در راه انقلاب» نمود.

### پیچیدگیهای دوران کنونی

در طول این چهل و چند سال پس از تسلط استبداد سرمایه داری جمهوری اسلامی، هرآنچه را که روا یا ناروا، بخشهایی از اپوزیسیون با تکیه بر آزادیهای عاریتی کشورهای جهان به خود و دیگران گفته است. در این میان فقط به منطق این واقعیت ابدأ توجه نشده است که هر دمکراسی در حفظ ساختار و ارزشهای خود، رعایت موازین رفتاری را به مجموعه افراد و سامانه های موجود دیکته

بقیه در صفحه ۹

با درود به همه بنیانگذاران، پیش‌تازان و ادامه دهندگان وفادار به جنبش نوآور فکری-عملی سیاهکل!

حضار ارجمند حتماً تفاهم خواهید داشت که من به خاطر محدود بودن وقت از پرداختن به شرایط سیاسی سالهای قبل از سال ۱۳۴۹ خودداری کرده و پیشنهاد می‌کنم که برای کسب اطلاعات در این زمینه، گرامیداشت چهلمین سالگرد جنبش سیاهکل مندرج در نبرد خلق شماره ۳۰۹ را مطالعه کنید.

وقتی سخن از قیام سیاهکل و تبعات آن به میان می‌آید، تخطئه گران رنگارنگ آن با تجریدی کردن داده های مرتبط این جنبش سعی می‌کنند آن را از محتوا تُهی کرده، چنین قلمداد کنند که گویا جمع کوچکی شورشی جدا از توده ها با توسل به اسلحه، خشونت و ستایش آن سعی در سرنوینی رژیم و کسب قدرت سیاسی را داشته اند. این امر به خصوص پس از قیام سال ۱۳۵۷ و سرکوب بیرحمانه دستاوردهای آن توسط استبداد سرمایه داری دین خوی موجود، در قالبی دیگر و اینبار با زوروق فرهنگی-ادبی، رسانه ها را در داخل و خارج کشور پُر کرده است. صرفنظر از انگیزه ها و اهداف اینگونه منتقدین و تأکید و تکرارشان بر «ابتدا کار فرهنگی برای بالا بردن فرهنگ مردم»، عدم توجه مشترک این «فرهنگ پناهان» به پیشینه فرهنگی و اجتماعی بنیانگذاران و اندیشمندان جنبش نوآور انقلابی ایران است. خوشبختانه با کوشش بسیاری از نویسندگان، کوشگران و فعالین سیاسی و اجتماعی، گنجینه های ماندگار از سالهای چهل شمس تا کنون در اختیار ما است که همگان می‌توانند با مراجعه به کتابخانه ها و آرشیوهای موجود در رسانه ها، به اجزاء واقعیات تاریخی آن دوران دست یابند؛ از جمله به آثاری که تأثیر مبارزات و قیام سیاهکل را بر ادبیات، هنر و توسعه تحلیلهای تئوریک-سیاسی آشکار می‌کند.

من در اینجا به خاطر پیشگیری از طول کلام، ویژگی های برآمده از قیام سیاهکل و ادامه جنبش پس از آن را به طور مختصر بیان می‌کنم:

۱ - چشمگیرترین ویژگی در زندگی شخصی و اجتماعی بنیانگذاران جنبش نوین انقلابی، فعالیت شان در زمینه های فرهنگی نویسنده، شعر، تئاتر، سینما، مطالعه و ترجمه آثار پیشرو خارجی و همچنین هنرهای متفاوت بوده است. آنچه به سهولت از تئوریهای مشترک و نوین این رفقای پیش‌تاز می‌توان دریافت، خصلت آموزشی آن است برای ارتقا فرهنگ مردمان. وقتی رفیق حمید اشرف در گامهای پیشین جنبش، به خاطر عدم وجود آموزش کافی، تأکید می‌کند که: «ممکن است در شرایط فعلی حتا برخی روستائیان، مبارزان را تحویل ژاندارما دهند»، این بیان درک آن عدم آگاهی در جامعه است که در پراتیک مبارزه تبدیل به آگاهی می‌گردد. و یا بیان رفیق امیرپرویز پویان در حضور اجتماعی آن دو مطلق ضعف و قدرت است که انسانها را به خاطر وجود دیکتاتوری و عدم آگاهی، در حصار خودساخته ترس شان فلج کرده و تشریح راه برورفت از آن، فقط می‌تواند انگیزه های آگاه کننده داشته باشد برای ارتقای فرهنگ توده ها، و نه گرایش به اسلحه! توضیح جامعتر این امر را رفقا حمید مؤمنی و بیژن جزنی در آثارشان «شورش نه، قدمهای سنجیده در راه انقلاب» و «چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می‌شود» به خوبی انجام داده اند.

۲ - نوآوری برای تغییر در سپهر سیاسی ایران، برای خروج از روزمره گی، انفعال و خودمشغولی مسلط پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲، این نوآوری که آشکارترین مانعیت آن در اثر معروف و مانای رفیق امیرپرویز پویان «مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا» منعکس است، حاوی مجموعه پارامترهای تئوریک-عملی مبارزه، نقد و سازماندهی از جانب پیش‌تازان و بنیانگذاران آن و عمدتاً شکستن دو مطلق جافانده برافکار مردمان، یعنی از میان برداشتن ترس و یأس حاکم بر فرهنگ ستمدینگان، همراه با خرد کردن اسطوره قدرتی استبداد سلطنتی حاکم بود. البته تئوریهایی که بر بستر آن، قیام سیاهکل شکل گرفت، سالها قبل بین رفقای این جنبش نوین، در دستور کار قرار گرفته بود. این نوآوری حتا تأثیر پُردامنه ای بر «کنفدراسیون دانشجویان و فارغ التحصیلان خارج کشور» گذاشت و تا فروپاشی نظام استبدادی سلطنتی، بخش بزرگی از جنبش دانشجویی خارج کشور در نقش پشت جبهه در خدمت این مبارزات، فعال بود.



## ویژگیهای جنبش انقلابی سیاهکل و نگاهی مختصر به پیچیدگیهای کنونی

بقیه از صفحه ۸

۲ - سرکوب حداقل آزادیهای اجتماعی مردمان و نابودی شوراها و سندیکاهای نوپای کارگری همراه با فلاکت روزافزون مزدبگیران و به خصوص کارگران از طریق نابودی پیگیر قدرت خرید آنان؛ چپاول ذخیره های تأمین اجتماعی، عادی شدن تعویق بی در و پیکر حقوق ناچیز کارکنان و بازنشستگان با انگیزه وابسته کردن مضاعف آنان به حاکمیت.

۳ - گرم نگهداشتن خطر جنگ همراه با ایجاد وحشت و گمراه کردن توده ها با تأکید بر حفظ تمامیت ارضی و امنیت ملی. «جهان آزاد» نیز سالها است که با علاقه و بدون هزینه کردن، جمهوری اسلامی را در این زمینه همراهی می کند. ۴ - شرایط بین المللی و به خصوص ایران، نسل جوان را با کیفیتی رشدیابنده به میدان مبارزه کشانده است. اکنون زنان و مردان خلقهای ایران با آموزش از تاریخ خود و دستاوردهای آن، با طرد ترس خویش و درک ضعف و وحشت سرکوبگران، دوباره بپاخاسته اند. اما پیروزی این خیزش انقلابی در گرو آموزش از کمبودها و خطاهای نسل ما پنجاه و هفتیه است. (\*) این در طبیعت ارتجاع است که از طرفی به توسعه کشتار و سرکوب هر خیزش انقلابی پردازد و از طرفی دیگر سعی کند که قبل از دسترسی مبارزان به پیدایش منطقی مدیریت و هدایت سیاسی کلان، آن را با حیلہ گری به بیراهه بکشاند.

۵ - دو سه سالی است که به طور چشمگیر و روزافزون حضور طغیانی نخبگان نظریه پرداز و رنگارنگ داخل کشور، در رسانه های ج.ا. در گشت و گذار است. سرعت رشد بازپخش وسیع این «طغیان نظر»ها با رویکرد اصلاح طلبانه شان، در فضای مجازی از اپیدمی به پاندمی کشیده شده است. این کلیپهای ویدیویی، گفتاری و نوشتاری اکثراً با پیوستی نظری (کُامت ها) همراه هستند که قصد دارد ستایش فرستنده کلیپ را از سخنان استاد برجسته کند. اینگونه مُرید-پیوستها را الگوریتمهای کارگزاران رژیم تولید و ممیزی می کنند که کاربرد آن را از کشورهای پیشرفته کپی کرده و آموخته اند. آنچه که تا کنون در انواع «افشاشگری» های پرطمطراق و آتشین این اساتید سخن، فراموش شده و چون دُم خروس عیان می شود، عدم وجود حتی یک نقل قول مشابه و یا اشاره به پیش بینی و آینده نگری مبارزان روشنفکر در یکی-دو سال پس از قیام است. بسیاری از نویسندگان فرهیخته نشریات آن سالها با ژرف اندیشی و تیزبینی درباره آینده جنایات انسانی و اجتماعی که تا امروز شاهد آن هستیم، بارها به مردمان هشدار داده بودند؛ به عنوان مثال می توان از رفقا سعید سلطانیپور و شکر الله پاکنژاد نام برد.

حال اگر مجموعه آنچه را که در بالا گفته شد توأم با سازمانیافتگی قدرت و رفتار این چنین حاکمیتی بررسی کنیم، آشکار می شود که برخلاف اپوزیسیون، استبداد حاکم با حواس جمعی مودبانه، منتهاست که «پلان بی یا برنامه دوم» خود را در آستین دارد. برای جلوگیری از فروپاشی کامل استبداد و فرار از خشم مردمان، محتمل ترین گزینه برای این سرکوبگران پوست اندازی و بزک خویش است. برای انجام عوامفریبانه این امر، مخلفات ویژه ای لازم است که اکثراً آماده اند:

۱ - گرایش حسرت پنهان و تظاهر به میانه روی و اصلاح طلبی در بخشهایی از مردم و حامیان رژیم. ۲ - آمادگی قدرتهای جهانی برای تأیید و حمایت به موقع از آن، از آمریکا و اروپا گرفته تا روسیه و چین و سازمان ملل. ۳ - وجود ثروت بزرگ کشور و مدیریت آن در دست سپاه و موقوفات که قادر است مانورهای مالی-اقتصادی را کنترل کند.

۴ - عدم وجود مدیریت و هدایت سیاسی کلان برای خیزشهای مردمی که خصلتاً با افت و خیز همراه است و در شرایط خاصی حاکمیت می تواند آن را از مسیر اصلی منحرف کند. ۵ - وجود غیرقابل انکار متزلزلهای میلیونی در خارج کشور و حامیان پنهان شان در میان اپوزیسیون.

اکنون کافی است که حاکمین قدر-قدرت «اصولگرا»، قدر را برای خودشان نگهدارند و قدرت را به منتظرالدوله های «وصولگرا» منتقل کنند. تصور برایندهای چنین رویدادی زیاد مشکل نیست: دیری نخواهد پایید که یک «ولی فقیه استرلیزه» ولی نورانی در قم خواهیم داشت که هر روز همگان را به برادری و برابری دعوت خواهد کرد و سپاه پاسداران و حامیانی که شبیه رهبر ارکسترهای همه کاره ولی نامرئی، پیانوی کنسرتهای مورد علاقه شان را با

بقیه در صفحه ۱۱

می کند؛ ولی برای مبارزه علیه موجودیت نظامهای غیردمکراتیک و استبدادی، افراد و سامانه های سیاسی رأساً راهبردها و راهکارهای خویش را علیه خودکامگان تعیین می کنند و نه نصایح و یا فرموده های خیرخواهانه این و آن را. این نهایت خودفروبی است که جماعتی در انتظار برکناری هر نوع دیکتاتوری، به انتظار وحدت فراگیر با دیگران روزشماری کند و ضمناً با خوشباوری انتظار یاری از جانب قدرتهای جهان را نیز در سر ببروراند.

فاجعه افغانستان بایستی برای درک این مقوله کافی باشد. تا آنجا که مربوط به قدرتهای «جهان آزاد و دموکرات» می شود به جا است که با یک نقل قول از جانب یکی از فریختگان سوسیال دموکراسی، نغز و مغز مطلب را یکجا نشان دهیم. «اگون بار» سیاستمدار برجسته آلمانی و نزدیکترین یار «ولی برانت» و آرشیتکت روابط سیاسی آلمان به خصوص با شوروی و بلوک شرق سابق، در سال ۲۰۱۳ دو سال قبل از درگذشتش در سخنرانی برای دانش آموزان آلمانی چنین گفت: «سیاست بین المللی هیچگاه ارتباطی با دموکراسی یا حقوق بشر ندارد. آنچه مطرح است منافع دولتها است. این مقوله را علیرغم هر آنچه در کلاس درس تاریخ برایتان تعریف می کنند، به خاطر بسپارید.» او در جایی دیگر می گوید: «در لحظه ای که یک سیاستمدار به جای طرح خواسته هایش به وزاجی در باره "ارزشها" می پردازد، زمان ترک سالن فرا رسیده است.»

در راستای «وحدت فراگیر ملی» کم نبودند گنشگرانی که وقت و انرژی خود را سالها صرف این مهم کردند. علیرغم همه کوششها تا کنون، مجموعه اپوزیسیون خارج کشور قادر نشده است حتی ۵ درصد ایرانیان برومترز را حول هر محور سیاسی سامان دهد؛ ولی خودگردانهای منتظرخدمت همین اپوزیسیون با ظهور خودجوش هر جنبش مردم ایران، هیاوهی «مدیریت بحران» برای داخل کشور براه می اندازند در حالیکه خود دچار بحران مدیریت اند. جالب این جاست که این بخش از اپوزیسیون با رشد مستمر تکه-پارگی خود، بلندپروازیهای سیاسی خود را نیز گسترش داده است؛ تقسیم کار و چگونگی آن ابدأ مطرح نیست بلکه سرنگونی رژیم، تعریف دوران گذار، ایجاد دولت موقت، سازماندهی مجلس مؤسسان، تدوین قانون اساسی، پرداختن آمرانه ولی کشدار به مقولاتی چون سکولاریسم، لائسیته و امثالهم آنها با پرانتز گرفتن رندانه از «خمس و زکات و موقوفات» برای بده-بستانهای آتی؛ همه این ها را مجموعه های رنگارنگ محفلی می خواهد همراه با دخالت در توسعه فرهنگی مردمان سامان دهد و بهتنهایی به آخر نیز برساند.

اکثر احزاب و سازمانهای سیاسی (کمونیستها، سوسیال دموکراتها، لیبرالها، جبهه ملی، فدرالیستها) چنان خود را تکه-پاره و اتمیزه کرده اند که قدرتهای جهان برای انتخاب، براحتی با آنان همان رفتار بازار آزاد مرسوم خود را به کار می گیرند! اینان ابدأ توجه نمی کنند که: تحمیل خواستها و منحصر کردن توقعات سیاسی، در وجود حد اکثر یکپارچگی ممکن می گردد. ضمناً بایستی توجه کرد که عوارض جانبی و برآیند پارادوکس تکه-پارگی، بی تقصیران را نیز خواه-ناخواه وارد این بازی بازار آزاد می کند! در بستر این شهر آشوب فکری خارج کشور، داده های اساسی موجود در ایران بیانگر چیست؟ با نگاهی اجمالی بر اوضاع اسفبار ایران می توان مهمترین پارامترهای زیر را بر شمرد:

۱ - توسعه کمپرادوریزم شاه به رانتخواری تمام عیار شیخ: چه در داد و ستد اقتصادی و چه در بازتولید سرمایه های مالی، کنترل و اعمال سیاستهای کلان در امر ثروت، مستقیم و غیرمستقیم در دست سپاه و شرکای سرزیر نولیبیرال متمرکز است. شاید یک مثال برای نشان دادن عمق فاجعه کافی باشد: مجموعه احتیاجات پُر دامنه انرژی و حتی آب کشور در اختیار وزارت نیرو و سازمانهای مربوط مانند «توانیر» متمرکز شده است. این سامانه بزرگ اقتصادی و خدماتی دولتی مشتری دائمی شرکتی است بنام «سپانیر»، یعنی بی محابا، سپاه-نیرو! سفارش دهندگان مایحتاج کشور در خارج، شرکتهای وابسته به سپاه هستند که کالا را از طریق گمرک سپاه وارد کشور کرده و به دولت و ملت می فروشند! یعنی میان کاربردان کمپرادوریزم «علیحضرت سابق» و مستضعف نوازان فعلی، بختک چپاولگر دیگری جاخوش کرده است که مشابه اش را در میلیتاریسم ژاپن، در ایس-ایس آلمان هیتلری، در دیکتاتوری فرانکو، موسولینی، دیکتاتوریهایی نظامی ترکیه و آمریکای لاتین پیدا نخواهید کرد.

## تأثیر حماسه سیاهکل بر شعر و ترانه و موسیقی در دهه پنجاه

بابک

هنری اشاره ای شود، می گوید. او می گوید با ساخت این ترانه قصد داشت سیاهکل را به موسیقی پیوند بزند و به آن تریبون بدهد و اینگونه به آن ادای دین کند.



این ترانه با صدای فرهاد بلافاصله بعد از انتشار همه گیر شد و با استقبال جامعه روشنفکری از یکطرف و مردم کوچه و بازار از سوی دیگر روبرو گردید. توجه عمومی به این ترانه نشان داد که چگونه آهنگ آن با آهنگ نیض جامعه همخوان است:

ترانه بعدی «جنگل» است. شاعر آن ایرج جنتی عطایی و آهنگش را بابک بیات ساخت و با صدای داریوش اجرا شد. این ترانه به عنوان ترانه فیلم «خورشید در مرداب» به کارگردانی محمد صفار منتشر شد. جنتی عطایی در مورد علت انتشار ترانه بر روی این فیلم می‌گوید: «ما آن زمان برای فرار از مساله سانسور مفری پیدا کرده بودیم که سینما بود؛ چون در سینما سناریو را یک اداره می دید و تصویب می کرد و فیلمش را هم یک اداره دیگر و کسی توجهی به موسیقی اش نداشت، تا که گندش درآمد و جلوی آن کار را هم گرفتند! بنابراین چند تا ترانه را من و همکارانم توانستیم به این طریق از زیر تیغ سانسور فرار بدهیم.»

ترانه «جنگل» تلاش می کند فضای جنگ و گریزی که بر نبردهای سنگین چریکها با نیروهای ارتش و ژاندارمری رژیم شاه از ۱۹ بهمن تا ۸ اسفند جریان یافت را بازتاب دهد.



متن گفتار از برنامه ویژه رادیو پیشگام با صدای صنم روشنی و سپیده

از گذشته های دور، هنر و ادبیات فارسی در کنار مبارزات مردم این سرزمین بوده و داستان خیزشها، غصیانها، پیروزیها و شکستهای آنها را روایت کرده است. قهرمانان نبردهای دور و نزدیک، در زخمه های ساز، در امواج آهنگین شعر، در تصویرهای شورانگیز داستانها و افسانه ها، سرگذشت خویش را باز گفته اند. رویاهای مردمان پرچمدار، تصویر نیمه شبان هنر و ادبیات بوده و پایه پای آنها جستجوی سخت و طولانی سعادت، شادی، عدالت و آزادی را گام زده است.

اینگونه است که داستان سرخ جامگان و بابک، مزدک و به آفرید، قیام اسماعیلیه علیه خلافت عباسی و خیزش سرداران علیه بیداد مغول نه فقط در سینه تاریخ، بلکه در قلب و ذهن مردمان ثبت شد و به ما معاصران رسید تا همچنان به استقبال آیندگان برود و به بخشی از آگاهی اجتماعی آنها بدل شود. هنر همان پل عاطفی بوده است که مبارزه پرشور سیاسی و نظامی انقلاب مشروطه را به تاریخ پیوندی پابرجا زده است و یاد و نام رهبران آن را زرمه حماسه ها و شگفتی ها کرده است.

سرفصلی دیگر از این مبارزات در دیباچه هنر و ادبیات فارسی، قیام سیاهکل است که همچون آذرخش در فضای تیره و مایوسی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد بر ایران خیمه زده بود، درخشش گرفت و جان تازه ای به آن بخشید. برای دو دهه، روح و مضمون بیشتر آثار منتشر شده، امیدهای از دست رفته و ناامیدی های پیش رو را بازتاب می داد. آنچه که به عنوان «ادبیات شکست» مشهور شد، چکیده فضای حاکم هنری در این دوره بود.

شاید بتوان گفت نخستین بار هنر بود که با عاطفه نیرومند خود در میانه دهه چهل متوجه جنب و جوش پرشورگانه ای شد که در میان جوانان و به ویژه دانشجویان نسبت به وضع موجود آغاز می گردید. فروغ فرخزاد در شعری به نام «دلَم برای باغچه می سوزد»، از پشت دیوار به آن سوی نظر می اندازد و می سراید:

«حیاط خانه ی ما تنهاست،

تمام روز از پشت در صدای تکه تکه شدن می آید و منفجر شدن ،  
همسایه های ما همه در خاک باغچه هاشان بجای گل خمپاره و مسلسل می کارند

،  
همسایه های ما همه بر روی حوض های کاشی شان سرپوش می گذارند،  
و حوض های کاشی بی آنکه خود بخوانند ،  
انبار های مخفی باروتند ،

و بچه های کوچکی می آید که کیف های مدرسه شان را از بمب های کوچک پر کرده اند،

حیاط خانه ی ما گلیج است.»

صدای انفجاری که فروغ آن را از دوردست شنیده بود، در شامگاه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ از جنگل سیاهکل بلند و صریح به گوش رسید. حرکت چریکهای فدایی خلق اعلام آغاز فصل ایستادگی مسلحانه در برابر دیکتاتوری و خفقان بود. غرش سیاهکل فضای ترس و ناامیدی و درماندگی را بر هم زد، روح زمانه را تغییر داد و جان تازه ای در کالبد مبارزه علیه دیکتاتوری و بی عدالتی دمید. اینگونه هنر سرپیچی پا به میدان گذاشت و اینک نوبت نسل نویی از ترانه نویسان، موسیقیدانان، خوانندگان و فیلمسازان مانند ایرج جنتی عطایی، شهیار قنبری، اردلان سرفراز، داریوش اقبالی، فرهاد، فریدون فروغی، اسفندیار منفردزاده، مسعود کیمیایی و غیره بود که پوسته وحشت را بدرند و به مخالفت و برآشوبی علیه وضع موجود، گفتار و بیانی عمومی و درک پذیر بدهند.

در ترانه در این دوره که مضمون آنها به طور مشخص به قیام سیاهکل اختصاص دارد، بیان کننده جایگاهی است که هنر معترض برای این نقطه عطف تاریخی باز کرده است. اولین ترانه «جمعه» است که یکسال بعد از حماسه انتشار یافت، جمعه روزی بود که نبرد در جنگلهای سیاهکل آغاز شد. ایده این ترانه از آن اسفندیار منفرد زاده، آهنگساز، بود و شعر آن را شهیار قنبری سرود. منفردزاده در مصاحبه ای در باره زمینه ساخت این ترانه از دلدادگی اش به چریکهای سیاهکل و خفقانی که اجازه نمی داد به آن حتی در جوامع

## تأثیر حماسه سیاهکل بر شعر و ترانه و موسیقی در دهه پنجاه

بقیه از صفحه ۱۰

در همین دوره است که احمد شاملو در شب شعری در تهران در سال ۱۳۵۲ سروده بلند «ضیافت» را می خواند که آن را به آنچه که «حماسه جنگلهای سیاهکل» نام می نهد، تقدیم می کند. این شعر برای یک اجرای نمایشنامه ای تنظیم شده و در یک قالب حماسی دو قطب مرگ و زندگی، سکون و حرکت را به جدال یکدیگر می برد و غرور و شیدایی فاتحان این نبرد را به تصویر می کشد. مجموعه اشعاری که شاملو در این شب خواند، بعدها در مجموعه ای به نام «در جدال با خاموشی» انتشار پیدا کرد. بخشی از دکلمه زنده این شعر توسط شاملو در همان شب یاد شده را می شنوید.

بعدها بر روی این سروده، کارگاه هنر ایران ترانه - سرودی ساخت که با همین نام انتشار پیدا کرد. این ترانه سرود اولین بار در مراسم بزرگداشت پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل اجرا شد.

در همین دوران است که باقر مومنی، نویسنده، پژوهشگر و مترجم، به نام کشورمان، چند شعر کوتاه در ستایش حماسه سیاهکل سرود که از جمله آنها شعری با نام «سیاهکل» است که در اردیبهشت ۱۳۵۰، زمان کوتاهی بعد از تیرباران ۱۳ فدایی خلق به دست رژیم جنایتکار شاه در اسفند ۴۹، به رشته تحریر درآمد.

### سیاهکل

انار بلوغ

بر سینه ی مادر دهان گشود

و سیزده دانه ی سرخ، جبهه بر خاک نهاد

کودکان

از محراب قربانگاه ساختند

جوانان

از قربانگاه عمارت خواهند ساخت

آثار هنری و ادبیات اعتراضی الهام گرفته از جنبش مسلحانه - که ما در اینجا تنها به فصل ویژه ای از آن در رابطه با قیام سیاهکل پرداختیم - از اطاعت و دنباله روی از جهان بینی، گفتن و قالبهای دستوری حکومت سر باز زد. این آثار، پیام چریکها را به گوش بخشهای پیشرو جامعه رساند و فراتر از آن، تریبونی علنی و عمومی برای بیان مخالفت ایجاد کرد که توده ی خاموش در فضای اختناق را به پای آن آورد. هنر اعتراضی، صدای ایستادگی مسلحانه در برابر دیکتاتوری را به گوشها رساند، به مبارزه مخفی تصویری ملموس بخشید و از خودگذشتی و وفاداری تا پای جان چریکها به بهروزی توده راه، ورد زبانها ساخت. در ترانه ها، سرودها و فیلمهای سرکش، این حافظه تاریخی توده بود که صیقل می خورد و به فرهنگ تاریخی ظلم ستیزی و ایستادگی فلات ایران در برابر حاکمان ستمکار یا اشغالگران بیگانه جانی تازه می داد.

آری سیاهکل و سازمان پیشتاز فدایی در ترانه و کلام، صدا و سروده، قلم و سطر تکثیر شد و در راه طولانی آزادی زبانی هنری نیز یافت که با نمادها، استعاره ها و اسطوره هایش پیکار بی امان و بی دریغ آن را تصویر می کرد و همراه و همدامش، سد بلند اختناق را به سوی دریای خلق می شکافت. در آخرین سالهای دهه پنجاه، آنگاه که سد دیکتاتوری شاه به تمامی فرو ریخت، ترانه سرود «آفتابکاران جنگل» به موسیقی متن اعتلای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بدل شد. استقبال بی نظیر توده ای از این ترانه سرود تا همین امروز نیز ادامه دارد و جاودانگی پیکارگران فدایی، آنها که شفیعی کدکنی در وصف شان «عاشقان شرزه ای» می نامد که «با شب نزیستند» را به رنگ سرخ مقاومت و به ضرب - آهنگ رژه ی رزم، مُهر می کند.

با آنها که برآمدن آفتاب مقاومت مسلحانه و هنر مقاومت را نوید دادند، آغاز کردیم و با آنها نیز این بخش برنامه را به پایان می بریم.

## زمین را سراسر سیه کل کنیم

مرجان

ز گلبرگهای شقایق

شکفته به دشت

ز هر قطره باران

در آغوش رود

و از رقص هر دانه برف بر روی کوه

بین رمز زیبایی زندگی

بخوان شعر پویای بالندگی

و هر قطره باران شود جویبار

خروشان روان بر تن کوهسار

و پیچد نسیم بر تن برگها

شکافتد دل سنگ را دانه ها

برای درختی تناور شدن

و این است افسانه زیستن

نفسهای کوه و طپشهای خاک

به یاد آورد نام جانهای پاک

درختانی از جنگل دیلمان

سرافراز تا آبی آسمان

هراسی نبوده ز کولاکها

یگانه شده ریشه با خاکها

بر آن ریشه خون گوزنی چکید

گوزن سیه کل که در خون طپید

بیوسند گیسوی خورشید را

سرابند آواز امید را

که تا زندگی هست باید سرود

ز لبخند افرا، ز فریاد رود

و هر جا کویری است جنگل کنیم

زمین را سراسر سیه کل کنیم

### ویژگیهای جنبش انقلابی سیاهکل و ...

بقیه از صفحه ۹

انگشتان سیاستمداران منتخبانده مردم خواهند نواخت. تعبیر و تفسیرهای روزانه این سیاستمداران پوست انداخته، در باره این نوع از «دموکراسی»، بیش و کم کپی خاورمیانه ای خواهد بود از آرژانتین، شیلی، اسپانیا (\*\*). یعنی تقلیدی از اعمال حاکمیت دولتی پاکستان؛ یعنی حفظ اهرمهای اساسی قدرت در دست قدر نامرئی. خلاصه یعنی: میانه رُوها می آیند و می روند و «فریب توده از نو گردد آغاز».

توجه به این گزینه محتمل، هیچگونه خللی به گزینه های محتمل دیگر وارد نمی کند؛ شاید خوشبینان بگویند: به زودی پیروزی انقلاب سوسیالیستی و یا ملی-دموکراتیک را پیش رو خواهیم داشت؛ و شاید بدبینان بگویند: با گسترش جنگهای امپریالیستی در خاورمیانه، سرنوشت ایران تجزیه خواهد بود.

به هر حال در رویکرد به هر گزینه محتمل، وجود برنامه برای مقابله با آن ضروری است و توجه به این سخن سعدی: هر بیشه گمان میر که خالیست، شاید که پلنگ خفته باشد.

(\*) جنبش انقلابی در تکاپوی یافتن راهکارها و مکانیسم سرنوشتی رژیم شاه موفق بود ولی متأسفانه از پیش توجه لازم به سازماندهی برای پس از آن، یعنی؛ «شورش نه، قدمهای سنجیده در راه انقلاب» نشد.

(\*\*) در این سه کشور هنوز تسلط پنهان بر سرمایه های مالی، اقتصاد کلان و نظام حقوقی کشور در اختیار اقلیت باقیمانده از دیکتاتوری سابق است. بی اعتنایی به سرنوشت قربانیان جنایات پیشین و رفتار وحشیانه پلیس با برگزارکنندگان رفتاراندوم کاتالونی و مقایسه آن با رفتاراندوم همزمان ولی بدون سرکوب و زندان اقلیم کردستان، بیانگر این واقعیت است.

## متن پیامهای ارسال شده به همایش\*

### شماری از فعالان کمونیست (دانشجویان سابق)

ما جمعی از فعالان کمونیست که طی سالهای گذشته همراه با طبقه کارگر برای «کار، نان، آزادی» تلاش کرده و در سال گذشته در کنار زنان و مردانی که با قیامهای دلیرانه خود تاریخ سرزمین آفتاب و باد را وارد مرحله جدیدی کردند بودیم، افتخار می‌کنیم فرزندان خلقی هستیم که جوانانش از حماسه سیاهکل تا خیزش ۴۰۱ برای رهایی پیکار می‌کنند. امروز کارگران و زحمتکشان در کف خیابان فریاد حق طلبی سر می‌دهند و دیروز در خیابانهای سراسر کشور برای رهایی شعار «مرگ بر دیکتاتور» سردادند.

گرامی باد یاد حماسه آفرینان سیاهکل

زنده باد انقلاب- زنده باد سوسیالیسم

جمعی از فعالان کمونیست (دانشجویان سابق)

بهمن ۴۰۲

### جمعی از فعالان جنبش دانشجویی

فعالان جنبش دانشجویی ایران به مانند سالهای گذشته، نبرد حماسی سیاهکل را گرامی می‌دارند.

در پنجاه و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل، بر مبارزان راه آزادی درود می‌فرستیم؛ آنان که رفتند، اما یاد و نام‌شان تا ابد در قلب دانشجویان آزادیخواه زنده خواهد ماند. دانشجویانی که هیچگاه در مقابل ستم رژیم جمهوری اسلامی سکوت نکرده و فریاد اعتراض خود را به جامعه جهانی می‌رسانند.

اما حکومت اسلامی، با هدف خاموش کردن صدای ما، از یک سو به دستگیری و اعدام گسترده فعالان سیاسی اقدام می‌کند تا ترس را در جامعه نهادینه کند و از سوی دیگر با شبیه نبود آلت‌ناتیو به دنبال پراکندن گرد ناامیدی در جامعه است، تا شاید در این دوگانه ترس و یأس، چند روزی بیشتر زنده بماند. تلاشی که مانع از تکرار قیامهای مردمی در سالهای ۷۸، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ نشد و این بار هم گریزی از قیام نهایی، که به زودی فرا می‌رسد نیست.

در همه این سالها دانشجویان نشان دادند که بخش مهمی از قیامها بوده و امروز نیز به عنوان نسلی آگاه و امیدوار، پادزهری بر سلاح ترس و یأس حکومت هستند. همین پتانسیل و نقش تأثیرگذار دانشجویان است که مایه هراس حکومت شده و تیغ سرکوب را علیه دانشجویان و اساتید تیزتر کرده است.

پیام دانشجوی مبارز امروز به ایرانیان داخل و خارج از کشور، همدلی و اتحاد در اعتراض علیه حکومت ظلم و جور و پشتیبانی از اعتصابها است، که در این صورت پیروزی دور از دسترس نخواهد بود.

دلهای ما جوانان داخل کشور، تا سرنوشت جمهوری اسلامی، همواره با شما عزیزان و دست اندرکاران برپایی رستاخیز سیاهکل خواهد بود.

فعالان جنبش دانشجویی ایران

۱۰ بهمن ۱۴۰۲

### برخی از معلمان لرستان

با درود، رفا تا ستم مبارزه هم هست!

گرامی می‌داریم پنجاه و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل؛ سالی که زنگ بزرگ خون به صدا در آمد و طوفان شکوفه داد.

رستاخیز سیاهکل توسط گروه چریکی به فرماندهی رفیق علی اکبر صفایی فراهانی که با عملیاتی شجاعانه به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل حمله کردند خلق شد و درسی تاریخی به روشنفکران بی عمل گذشته دادند.

در حقیقت این عملیات مسلحانه تابوی شکست ناپذیری رژیم تا بن دندان مسلح را شکست و نوید پیروزی را با بانگی رسا در افق دمید و نشان داد که می‌توان از پتانسیل انقلابی موجود برای رهایی از ستم استفاده کرد. البته پزواک رستاخیز سیاهکل در گستره روحیات حاکم برای جوانان انقلابی و روشنفکران نوید پیروزی را در بر داشت.

اینک پس از گذشت پنجاه و سه سال از این حماسه دریافته ایم که تنها مقاومت و پایداری در مقابل سرکوبهای مستمر و وحشیانه رژیم آدم کش اسلامی می‌تواند راه رهایی کارگران، زحمتکشان و توده های تحت ستم را هموار نموده و رهایی از ستم را رقم بزند.

اینک وظیفه عاجل ما هواداران سازمان پر افتخار چریکهای فدایی خلق ایران رساندن آگاهیهای دموکراتیک و طرح راهکارهای مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزات اقشار مختلف اجتماعی است که امروزه با تمام وجود جو خفقان و سرکوب و پایمال شدن حقوق فردی و اجتماعی خود را لمس می‌کنند. ما با سهم و توانایی خود در این مسیر با تمام وجود علیرغم هزینه های فراوان آن تلاش می‌کنیم و به راه خود ایمان داریم و اطمینان داریم که خواست اول و آخر کارگران و زحمتکشان و سایر طبقات اجتماعی همانگونه که در سالها و ماههای اخیر ملاحظه می‌کنیم سر نگوئی رژیم سفاک حاکم و تمامی دم و نُببالچه های آن تا رسیدن به یک نظام دموکراتیک مبتنی بر ارای مردم ایران است. ما تا تحقق این خواست، از مبارزات بر حق کارگران، معلمان، کارمندان، هنر مندان، مزد بگیران و تمامی کُنشگران سیاسی و زندانیان سیاسی با تمام توان خود حمایت می‌کنیم و بر پیمان خود تا پیروزی می‌مانیم. گرامی می‌داریم یاد و نام تمامی رزمندگان راه آزادی به ویژه رزمندگان رستاخیز سیاهکل. ننگ و نفرت همیشگی بر آدمکشان جمهوری جهل و جنایت اسلامی زنده با مقاومت خلق.

### رحمان جاری، معلم، فعال اجتماعی در پل دختر

سالگرد حماسه فراموش نشدنی سیاهکل مبارک

در شب ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ در اوج خفقان و اختناق استبداد شاه گروهی از پهلوانان شجاع حماسه ای تاریخی آفرینند که در تاریخ بیادگار ماند.

در برهه از تاریخ که کمترین وسیله ارتباط جمعی وجود نداشت و اگر بود در اختیار استبداد بود، به سرعت خبر این حماسه بزرگ در سراسر کشور پیچید. حماسه سیاهکل هیمنه استبداد را شکست و تاثیر بسیاری در گسترش مبارزه برای سرنوشت دیکتاتوری برجای گذاشت. این حماسه در قلب ایرانیان آزدیخواه برای همیشه حک شد.

و اما امروز باید از حماسه سیاهکل عبرت گرفت و راه آن را در پیش گرفت. قهرمانان حماسه جان خود را فدای ایران و ایرانیان آزاده کردند. انقلاب را ادامه دهندگان راه سیاهکل انجام دادند، اما رژیم ننگین جمهوری اسلامی با خدعه و نیرنگ بر مردم حکومت کرد. بعد از چند صبحای عامه مردم نیز به ماهیت این رژیم پلید پی بردند و در طول سالیان زیاد اعتراضاتی کوچک و بزرگ شکل گرفت که برخی از این اعتراضات سراسری تا مرحله سرنوشتی استبداد رژیم پیش رفت ولی به نتیجه مطلوب نرسید، هرچند پایه های حکومت را بیشتر از همیشه سست و لرزان نموده است. هربار اعتراضات مردمی با گلوله به سوی مردم بی دفاع خاموش شده البته آتش زیر خاکستر است. به نظر می‌رسد باید از حماسه سیاهکل بیش از هر زمان در جهت آزادی ایران استفاده نمود.

یکی از سریعترین راههای سرنوشتی رژیم مستبد جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه

و حماسه مانند سیاهکل در چندین نقطه کشور است. وقتی رژیم مردم مسلح را در برابر خود ببیند قطعاً جرات خونریزیهای متعدد ندارد.

اگر بعد از هر اعدام حماسه ای مانند سیاهکل شکل می‌گرفت خیلی پیشتر کار رژیم تمام شده بود. برای این مهم باید زمینه سازی شود و شجاع مردان و شیر زنان در برابر نابرابرها مسلح شوند و کار استبداد را با همراهی مردم تمام کنند.

آزادی ایران و ایرانی را حماسه سیاهکل دیگری لازم است.

به امید آزادی ایران

رحمان جاری

### صادق رشیدی، فعال کارگری در عسلویه

سالی که زنگ بزرگ خون به صدا درآمد و طوفان شکوفه داد.

۱۹ بهمن سالگرد حماسه سیاهکل گرامی باد، حماسه ای که سرآغاز مبارزات مسلحانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران علیه رژیم ارتجاعی و فاسد شاه شد،

یاد آن روز و جانفشانیهای رفقای مبارز تا ابد در دلها باقی خواهد ماند و ادامه راه خواهد بود.

صادق رشیدی، فعال کارگری در عسلویه

\*اسامی دوستان پیام دهنده از ایران مستعار است.

## دالغا (موج)

مرضیه احمدی اسکویی



خیرداجا اینجه آرخیدیم  
مئشه لردن، داغلاردان  
دره لردن آخیردیم  
بیلیردیم دورقون سولار  
اؤز ایچینده بوغولار  
بیلیردیم دریا لاردا  
دالغالار قوجاغیندا  
خیرداجا آرخلار اوچون  
یئنی حیات دوغولار  
نه بولون اوز اقلیغی  
نه قارانیق چوخورلار  
نه دورقونلوق هوسی  
منی بولدان قویمادی  
ایندی قاریشمیشام من  
قورتولماز دالغالارا  
وارلیغیمیز چالیشماق  
بوخلو غوموز دایانماق  
پانیز ۱۳۵۲

## موج (دالغا)

جویبار خرد و باریکی بودم  
در جنگلها و کوهها  
و دره ها جاری بودم  
می دانستم آبهای ایستاده  
در درون خود می میرند  
می دانستم در آغوش امواج  
دریاها  
برای جویباران کوچک  
هستی تازه ای می زایند  
نه درازی راه  
نه گودالهای تاریک  
و نه هوس بازماندن از جریان  
مرا از راه باز نداشت  
اینک پیوسته ام  
به امواج بی پایان  
هستی مان تلاش  
و نیستی مان آسودن است!

این شعر توسط رفیق فرنگیس بایقره در همایش  
پنجاه و سومین سالگرد حماسه سیاهکل در بهمن  
۱۴۰۲ قرائت شد

## جنگل عصیان

فتح الله کیانیها

برای زنان زندانی و شورشگر میهن که در  
نبردی جانانه، خواب را از چشم ولایت ربوده اند  
گام هایت عطر جنگل است  
در پیچ پیچ درختان  
که پشت در پشت  
و انبوه در انبوه  
سد می کنند گام تیر را  
تیر «این واژه ی چرکناک بخون اندر»

عصیان تنها رسم توست است  
در نبرد نابرابر امروز.  
تو یک زنی  
زن عصیان گر:  
با زیب و پر جلال  
گیسو فشانده، آهوان جوان را  
تیمار داری پر صلابتی در انقلاب زن و ژبان و  
نازادی.  
و ینک این آوایت  
وقتی که پر غرور می خوانی  
و جوانان را از پشت میله ها  
امید می دهی و رهنمون:

محکم باش  
پا پس مکش رفیق  
مباد که عشق را  
و شکوه پر از راز و رمز رقص را  
در زهرپاش گلوله و سرب  
به نسیان سپاریش.  
نسیان؛ این «نوشداروی جاودانه ی ظلم».

رقصیدن، عشق ورزیدن و تلاش  
حکایت پر رمز و راز تاریخ است.  
«تاریخ» گنجینه ی نبرد گذشته گان  
در پاسداری حرمت انسان.

پاسش دبار، بخوانش .  
چونان سرود  
در رزم خونفشان ستاره گان.  
سینه به سینه  
سنگر به سنگر  
سرمشق رزم  
مقاومت و ایثار را  
تحریر کن

بنویس و بازگویی که پویایی  
رمز بودن انسان است:  
در «خواندن، دانستن و ساختن».

نمی گویم کوه باش  
نمی گویم سرو باش  
قهرمان خودت باش  
ترانه ای باش  
در بدرود شبانه ی یک اعدامی  
لبخندی از سر درد  
بر چهره ی مقاوم و امیدوار مادر محزون  
گاهی، همنوای سرود ستاره باش  
و بشارت دهنده ی ایمان.  
ایمان به حرمت انسان.  
خودت باش در شکل و شمایل یک انسان.  
عطر قدمهایت را در سواحل جنگل بکار

## آفتابکاران جنگل

سعید سلطانیپور

سُراُومد زمستون، شیکفته بهارون  
گل سُرخ خورشید باز اُومد و شب شد گُریزون  
کوهها لاله زارن، لالهها بیدارن  
تو کوهها دارن گل گل آفتابو میکارن  
توی کوهستون، دلش بیداره  
تفنگ و گل و گندم داره میاره  
توی سینه اش جان جان جان  
په جنگل ستاره داره، جان جان، په جنگل  
ستاره داره

سُراُومد زمستون، شیکفته بهارون  
گل سُرخ خورشید باز اُومد و شب شد گُریزون  
لُیش خنده نور  
دلش شعله شور  
صداش چشمه و یادش آهوی جنگل دور  
توی کوهستون، دلش بیداره  
تفنگ و گل و گندم داره میاره  
توی سینه اش جان جان جان  
په جنگل ستاره داره، جان جان، په جنگل  
ستاره داره



از رنجت سیر بساز  
و از زخمت خنجر  
قرار نیست که بیفتی  
ریشه در خاک فرو کن  
و سر بر آسمان بسای  
همچون رعد  
و بال بر بال تندر بکوب  
پرواز کن  
تا غرور عقاب وارت  
کرکسان نگون بخت را  
سرنگون کند.  
همگام شو رفیق  
همراه شو رفیق و  
همدرد شو عزیز، همدرد.

## دوچرخه ام را بر می دارم

فتح الله کیانیها

کوره راه جنگلی زیباست  
آنجا گویا  
پرنده ای مرده است  
این را در آواز آوازه خوانی پیر  
کز زخم حنجره ای خونبار  
ترانه ای زمزمه می کرد  
خوانده ام.

هوا؛ هوای بهاری است  
در قتلگاه زمستان سرد و تنبل جنگل  
و قندیلهای گلگوله  
با ابری از مه باروت.

کولبار راه؛ سنگین نیست  
خونین است  
از تراوش خون ستاره های نو خوان  
و انحنای کوههای خسته ی مادر  
بر زخم عمیق و کاری جنگل  
که برش خورده بود به اندازه  
بر قید بی قواره ی اسفند.

در شیب تند درختان  
دلنگی من است و  
پیچ و تاب تپی سرد  
بر قامت پر از غرور سرو  
که نام تو را می خواند  
و کوهها به احترام نگاهت سر به ساحت رعد  
می کوفتند.

آنجا کبوتری مرده است  
با نامه ای ز رویش خورشید

دوچرخه ام را بر می دارم  
خورشید انتظارنشسته است برچشم کوره راه  
باید رکاب بر دارم

شتاب را

مادر هنوز چشم به راه  
رستن نخ است بر گلوی سوزن. نو روز  
تا قامت بهار را  
با قد و عشق تو رَج کند  
به دامن اسفند.

با من برقص  
دل گرفته است.  
از رنج راه؛ نه  
که از رنج این همه بی راهه.  
با من برقص

منبع: برنامه ویژه رادیو پیشگام

## برگزاری همایش پرشور پنجاه و سومین سالگشت رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۱۵

وی در ادامه گفت: «به جاست که از نقش خانمان سوز رژیم جمهوری اسلامی که به صورتی دامان همه خلقهای منطقه و خلق فلسطین را گرفته و در بحران کنونی نیز بسیار آشکار است یاد کنیم. با نگاهی اجمالی می توان سیاستهای اسرائیل، جمهوری اسلامی و حماس را در مثالی دید که هرکدام به طریقی دست در دست هم دارند.»  
عضو کمیته مرکزی سازمان افزود: «وظیفه ما و هر نیروی دمکرات ایرانی (ورای حمایتهای لفظی) در وهله اول، برای دفاع از حقوق مردم فلسطین می بایست علیه سیاستهای جمهوری اسلامی در منطقه باشد. جمهوری اسلامی برای بقای خود از هیچ ترفندی علیه مردم ایران و منطقه دریغ نمی کند و کماکان مغز و قلب بنیادگرایی اسلامی در جهان است.»

رفیق امیر معیری در بخشی از سخنرانی خود با عنوان «ویژگیهای جنبش انقلابی سیاهکل و نگاهی مختصر به پیچیدگیهای کنونی» گفت: «وقتی سخن از قیام سیاهکل و تبعات آن به میان می آید، تخطئه گران رنگارنگ آن با تجریدی کردن داده های مرتبط این جنبش سعی می کنند آن را از محتوا تهی کرده، چنین قلمداد کنند که گویا جمع کوچکی شورشی جدا از توده ها با توسل به اسلحه، خشونت و ستایش آن سعی در سرنگونی رژیم و کسب قدرت سیاسی را داشته اند. این امر به خصوص پس از قیام سال ۱۳۵۷ و سرکوب بیرحمانه دستاوردهای آن توسط استبداد سرمایه داری دین خوی موجود، در قالبی دیگر و اینبار با زوروق فرهنگی-ادبی، رسانه ها را در داخل و خارج کشور پُر کرده است. صرف نظر از انگیزه ها و اهداف اینگونه منتقدین و تأکید و تکرارشان بر «ابتدا کار فرهنگی برای بالا بردن فرهنگ مردم»، عدم توجه مشترک این «فرهنگ پناهان» به پیشینه فرهنگی و اجتماعی بنیانگذاران و اندیشمندان جنبش نوآور انقلابی ایران است. خوشبختانه با کوشش بسیاری از نویسندگان، کاوشگران و فعالین سیاسی و اجتماعی، گنجینه های ماندگار از سالهای چهل شمسی تا کنون در اختیار ما است که همگان می توانند با مراجعه به کتابخانه ها و آرشیوهای موجود در رسانه ها، به اجزاء واقعیات تاریخی آن دوران دست یابند؛ از جمله به آثاری که تأثیر مبارزات و قیام سیاهکل را بر ادبیات، هنر و توسعه تحلیلهای تئوریک-سیاسی آشکار می کند.» وی در بخشی دیگر از سخنانش گفت: «شرایط بین المللی و به خصوص ایران، نسل جوان را با کیفیتی رشدیابنده به میدان مبارزه کشانده است. اکنون زنان و مردان خلقهای ایران با آموزش از تاریخ خود و دستاوردهای آن، با طرد ترس خویش و درک ضعف و وحشت سرکوبگران، دوباره بپاخاسته اند. اما پیروزی این خیزش انقلابی در گرو آموزش از کمبودها و خطاهای نسل ما پنجاه و هفتیها است. این در طبیعت ارتجاع است که از طرفی به توسعه کشتار و سرکوب هر خیزش انقلابی بپردازد و از طرفی دیگر سعی کند که قبل از

## آن عاشقان شرزه

محمد رضا شفیعی دکنی

آن عاشقان شرزه که با شب نزیستند  
رفتند و شهر خفته ندانست کیستند  
فریادشان موج شط حیات بود  
چون آذرخش در سخن خویش زیستند  
مرغان پر گشوده ی طوفان که روز مرگ  
دریا و موج و صخره بر ایشان گریستند  
می گفתי ای عزیز! سترون شده ست خاک  
اینک ببین برابر چشم تو چیستند  
هر صبح و شب به غارت طوفان روند و باز  
باز آخرین شقایق این باغ نیستند

دسترسی مبارزان به پیدایش منطقی مدیریت و هدایت سیاسی کلان، آن را با حیلہ گری به بیراهه بکشاند.»

متن کامل هر سه سخنرانی در شماره ویژه نبرد خلق منتشر خواهد شد.

پس از تنفس کوتاه، بخش دوم همایش که گفتگوی سخنرانان با شرکت کنندگان بود آغاز شد. در این بخش برخی از شرکت کنندگان در محل همایش و تعدادی از شرکت کنندگان در شبکه زوم به طرح سوال و دیدگاه خود پرداختند که سخنرانان با آنان به تبادل نظر پرداختند.

آنگاه رفیق فریدون رضایی از کارگاه هنر ایران چند ترانه سرود اجرا کرد و بعد از آن رفیق فرنگیس پایقره سروده ای از رفیق شهید مرضیه اسکویی را به دو زبان آذری و فارسی خواند. همایش پنجاه و سومین سالگرد سیاهکل با همخوانی سرود وحدت کارورزان و رنجبران، سرود انترناسیونال پایان یافت.

در جریان همایش اسامی آن دسته از پیام دهندگان داخل کشور که تا لحظه شروع برنامه دریافت شده بود، به اطلاع حاضران رسید. با تشکر فراوان از آنان، متن کامل پیام جمعی از فعالان کمونیست (دانشجویان سابق) / برخی از فعالان جنبش دانشجویی/ برخی از معلمان لرستان/ رحمان جاری، معلم و فعال اجتماعی از پل دختر/ صادق رشیدی، فعال کارگری از عسلویه و شعری از مرجان در شماره ویژه نبردخلق به مناسبت پنجاه و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل، بزودی منتشر خواهد شد.

یک اثر ارزنده نقاشی نیز از طرف یار وفادار سازمان، آقای محمد قربانی، به همایش اهدا شد که به رویت حضار نیز رسید.

همچنین دسته گلهای زیبایی از سوی شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، هوداران سازمان مجاهدین خلق ایران در آلمان، جامعه ورزشی ایران \_ آلمان به مراسم اهدا گردیده بود که در همینجا از آنها تشکر می کنیم. فیلم کامل همایش به زودی منتشر خواهد شد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سه شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲ - ۶ فوریه ۲۰۲۴

## برگزاری همایش پرشور پنجاه و سومین سالگشت رستاخیز سپاهکل

احترام کنم. یاد و خاطره شهیدان سرفرازی که در دو رژیم دیکتاتوری شاه و شیخ زیر شکنجه، پای چوبه دار یا در هموردی با مزدوران سرکوبگر در خیابان جان شان را از دست دادند گرامی می‌دارم.»

او در فرازی دیگر از سخنانش تاکید کرد: «سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، مانند میلیونها ایرانی در بند استبداد دینی، برای تحقق آزادی، دموکراسی، برابری، عدالت اجتماعی رفع هر گونه تبعیض جنسیتی، ملی، دینی و... مبارزه می‌کند. ما خود را متعهد به تحقق خواسته های انسانی و آزادی طلبانه مردم ایران می‌دانیم و معتقدیم که تحقق خواسته های عادلانه و حقوق شهروندی مردم با رژیم ولایت فقیه و همه ی دارو دسته های آن شدنی نیست. هیچ نقطه اتصالی بین مردم و رژیم نیست. با نگاهی به مجموعه شعارهای جنبشهای اعتراضی در خیابان درک می‌کنیم که خروجی مطالبات مردم سرنگونی است. به این معنا که خود این رژیم مشکل است و راه حل نمی‌تواند باشد.»

عضو کمیته مرکزی سازمان در پایان گفت: «ما ادامه رستاخیز سپاهکل هستیم و خرسندیم که مردم مان پرچم شورش و عصبان علیه استبداد، تبعیض و ستم را همواره برافراشته نگه داشته اند. افتخار می‌کنیم که زنان ایران زمین پیشتاز راهی هستند. خروش جوانان شورشی، مقاومت زندانیان سیاسی و رزم بی‌امانی که هر روز در کف خیابان جریان دارد، اندوه از دست دادن کودکان و نوجوانانمان در جنبش انقلابی را تسکین می‌دهد.»

رفیق مهرداد قادری در بخشی از سخنرانی خود با عنوان «غزه، فراتر از فاجعه» گفت: «بحثها و مواضع گوناگونی در مورد فاجعه غزه موجود است. عده ای نقطه شروع بحران کنونی را ۷ اکتبر می‌دانند و این‌ها در بهترین وجه

عصر روز شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲ برابر با ۳ فوریه ۲۰۲۴، همایش پنجاه و سومین سالگرد حماسه سپاهکل در شهر کلن (آلمان) با شرکت ایرانیان آزادیخواه برگزار و همزمان به صورت زنده در شبکه جهانی زوم و رادیو راه ابریشم پخش شد. در شروع برنامه رفیق کامران عالمی نژاد ضمن خوش آمد گویی به حاضران در همایش گفت: «پنجاه و سه سال از آغاز حرکت راهی بخش سپاهکل می‌گذرد و هنوز اصلی ترین آرمانهایی که با رنگ و نشان شان این حماسه شکل گرفت، محور مبارزه و تلاشهای ماست؛ از آزادی و عدالت سخن می‌گویم و از خوشبختی و شادی برای همه.»

در آن زمان در برابر آنهایی که چنین ایده آلهایی داشتند، دو راه قرار گرفته بود: تسلیم شدن یا جنگیدن، شوریدن بر شرایط موجود یا پذیرش یک حقارت دائمی. این دوراهی انتخاب امروز هم بر سر راه ما ایستاده است. و خوشا که انتخاب خلق ما جنگیدن است همانگونه که جنبش انقلابی شهریور ۴۰۱ و پیش از آن قیامهای دی و آبان این اراده را نمایان کرد.

امروز مشکل جنگیدن نیست، رژیم ج.ا که از زور و خشونت بی‌مرز برای حفظ قدرت استفاده می‌کند، به ستم‌پدگان آموخته که از زور و قهر برای ابراز مخالفت با آن استفاده کنند؛ امروز مشکل چگونه جنگیدن و چگونه ادامه دادن به آن است و نقطه عطف سپاهکل می‌تواند به این سوال پاسخی به سزا بدهد.

سپاهکل سهم فروتنانه چپ انقلابی ایران در راه آزادی مردم میهنمان بود، تصمیمی واقع‌گرایانه و هوشیارانه مبتنی بر وضعیت سیاسی و اجتماعی حاکم. رفقای گروه جنگل آرزوی زندگی در یک جامعه دموکراتیک و دادگر را داشتند، اما آماده بودند اگر ضرورت دارد، برای تحقق آن جان خود را بدهند. آنها تسلیم نشدند و با هر چه که در توان داشتند، در دفاع از آینده و آزادی به نبرد برخاستند. دوستان، رفقا، خانها و آقایان!



به احترام تمامی شهدای خلق، پیشگامان راهی و در همبستگی با زندانیان سیاسی تقاضا می‌کنم بر خیزیم و یک دقیقه کف بزنیم.»

در بخش اول ابتدا چکیده ای از بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران توسط رفیق کامران عالمی نژاد خوانده شد.

سپس رفیق فتح الله کیانیها یکی از سروده های خود با عنوان «جنگل عصبان» را خواند و آنگاه سه سخنران؛ رفقا زینت میرهاشمی، مهرداد قادری و امیر معیری سخنرانی کردند.

رفیق زینت میرهاشمی در بخشی از سخنرانی خود با عنوان «از حماسه سپاهکل تا انقلاب ژینا، پیکار با دو دیکتاتوری برای آزادی» در ابتدا گفت: «وظیفه خود می‌دانم به خانواده های دادخواه شهیدان و زندانی سیاسی درود بفرستم و ادای

فلسطین و بحران غزه می‌دانند. به نظر ما فقط یک تفکیک اصولی که با تاریخ خلق فلسطین در صد سال گذشته رابطه منطقی داشته باشد موجود است و آن قبل و بعد از مذاکرات اسلو است. در واقع این مرز زمانی را رهبران اسرائیل و فلسطین با امضای قرارداد اسلو ترسیم کردند. به این صورت که از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ (اسلوی ۲) چشم اندازی از آینده نزدیک به مردم فلسطین و اسرائیل ارائه داده شد.»

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی  
هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی  
هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع  
همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیانیها  
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

**NABARD - E - KHALGH**

No : 473/ 8 FEV 2024

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

**NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE**

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard\_khalg --- [https://telegram.me/nabard\\_khalgh](https://telegram.me/nabard_khalgh)

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

## جنگل

ایرج جنتی عطایی



پشت سر، پشت سر، پشت سر،  
سر جهنمه  
روبرو، روبرو قتلگاه آدمه  
روح جنگل سیاه با دست  
شاخه هاش داره  
روحم رو از من می گیره  
تا یه لحظه می مونم  
جغدها تو گوش هم میگن  
پلنگ زخمی می میره  
راه رفتن دیگه نیست  
حجله پوسیدن من جنگل  
پیره

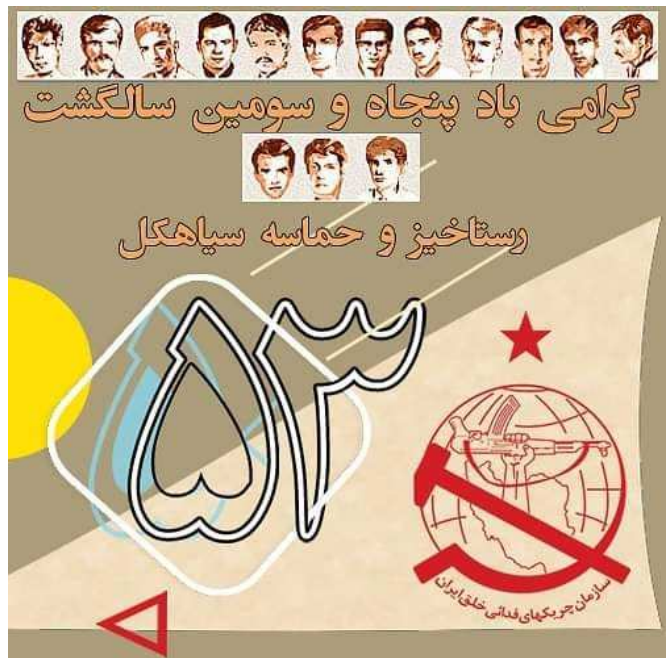
پشت سر، پشت سر، پشت سر،  
روبرو، روبرو قتلگاه آدمه

قلب ماه سر به زیر  
به دار شاخه ها اسیر  
غروبش رو من می بینم  
ترس رفتن تو تنم  
وحشت موندن تو دلم  
خواب برگشتن می بینم  
هر قدم به هر قدم  
لحظه به لحظه  
سایه دشمن می بینم

پشت سر، پشت سر، پشت سر،  
روبرو، روبرو قتلگاه آدمه

## برنامه ویژه رادیو پیشگام

به مناسبت پنجاه و سومین سالگشت حماسه سیاهکل



برنامه ای با هدف آشنایی مختصر با تاریخ سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و همچنین محیط اجتماعی فعالیت آن در دهه پنجاه. آغازگر برنامه، ترانه - سرود «مه» از کارگاه هنر ایران و با شعری از احمد شاملو است. سپس گفتاری از رفیق مهدی سامع پیرامون تاریخ و مراحل تکوین سازمان بخش خواهد شد. آنگاه به تاثیر حماسه سیاهکل بر شعر و ترانه و موسیقی در دهه پنجاه پرداخته می شود و نمونه هایی از آثار مربوطه را خواهید شنید. بخش پایانی برنامه، سروده ای از رفیق فتحی الله کیانیها با نام «دوچرخه ام را برمی دارم» است که آن را با صدای خود شاعر می شنوید. برای شنیدن این برنامه روی لینک زیر کلیک کنید

<https://soundcloud.com/radio-pishgam>

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم